



پاسخنامه

دوازدهم انسانی

نرنج بوک

تلاشی در مسیر بر موفقی است

۵ آبان ماه ۱۴۰۲

بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ - بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام) ۶۴۶۳-۰۲۱

«تمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلم چی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

پدیدآورندگان آزمون

طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام درس	نام طراحان
ریاضی و آمار	محمد بحیرایی، ابوالفضل بهاری، گلناز بینقی، محمدابراهیم تونندهجانی، آروین حسینی، احمدرضا ذاکرزاده، امیر زراندوز، سعید عزیزخانی، علی قهرمانزاده، امیر محمودیان، محمد نظامی
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی، عزیز الیاسی پور، سعید جعفری، سید علیرضا علویان، مجتبی فرهادی، یاسین مهدیان، شیوا نظری، هومن نمازی
جامعه‌شناسی	امیرمهدی افشار، ریحانه امینی، آزیتا بیدقی، کوثر شاه‌حسینی، فاطمه صفری، سید محمد مدنی دینانی
روان‌شناسی	حمیدرضا توکلی، محمد حبیبی، مهسا عفتی
عربی زبان قرآن	محمود بادبرین، ولی برجی، حسین رضایی، امیرحسین شکوری، حمیدرضا قائدامینی، روح‌الله گلشن، علی محسن‌زاده، سید محمدعلی مرتضوی، معصومه ملکی، سیده محیا مؤمنی
تاریخ و جغرافیا	زهره دامیار، صبا صفایی، امیرحسین کاروین، فاطمه کتیبه، رامتین کیانی، آرش مرتضائی فر، جواد میربلوکی، کیانا یوسف‌زاده
فلسفه و منطق	محمد افاضالح، حسین آخوندی راهنماچی، سبا جعفرزاده صابری، پرگل رحیمی، محمد رضایی بقا، موسی سپاهی، حمید سودیان، فیروز نژادنجف، علیرضا نصیری
اقتصاد	آفرین ساجدی، سارا شریفی، مهدی ضیائی، زهره محمدی

گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درسی	ویراستار	ویراستار رتبه برتر کنکور	مستندسازی
ریاضی و آمار	محمدابراهیم تونندهجانی	محمد بحیرایی	مهدی ملازمضانی، آروین حسینی، علی مرشد، محمد حمیدی	_____	الهه شهبازی
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	یاسین مهدیان	_____	فریبا رئوفی
جامعه‌شناسی	کوثر شاه‌حسینی	کوثر شاه‌حسینی، فاطمه صفری، کیما اکبرزاده	آرش مرتضائی فر، مهتاب شیرازی	_____	زهره قموشی
روان‌شناسی	مهسا عفتی	مهسا عفتی	محمد صمدی زاداسفنگره	صبا صفایی	زهره قموشی
عربی زبان قرآن	احسان کلاته‌عربی	سید محمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی	رامتین کیانی	لیلا ایزدی
تاریخ و جغرافیا	زهره دامیار	زهره دامیار	_____	_____	عطیه محلوچی
فلسفه و منطق	سبا جعفرزاده صابری	علیرضا نصیری	فرهاد علی‌نژاد	کیانا یوسف‌زاده	زهره قموشی
اقتصاد	مهدی ضیائی	سارا شریفی	مرتضی عزیزی	رامیلا عسگری	زهره قموشی

گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سید محمدعلی مرتضوی
مسئول دفترچه	فاطمه منصور خاکی
گروه مستندسازی	مدیر: محیا اصغری، مسئول دفترچه: زهره قموشی
حروف‌چین و صفحه‌آرا	مهشید ابوالحسنی
ناظر چاپ	حمید عباسی



ریاضی و آمار (۳)

۱- گزینه «۳»

(سعید عزیزفانی)

اگر سعید حداقل یکی از سفرهای خود را از راه اصلی برود. حالت اول: از شهر A به شهر B به وسیله راه اصلی و از شهر B به شهر C را به وسیله راه فرعی برود:

$$4 \times 2 = 8 = \text{تعداد حالت‌ها}$$

حالت دوم: از شهر A به شهر B به وسیله راه فرعی و از شهر B به شهر C را به وسیله راه اصلی برود:

$$3 \times 5 = 15 = \text{تعداد حالت‌ها}$$

حالت سوم: از شهر A به شهر B و از شهر B به شهر C را به وسیله راه اصلی برود:

$$4 \times 5 = 20 = \text{تعداد حالت‌ها}$$

در نهایت طبق اصل جمع داریم:

$$8 + 15 + 20 = 43 = \text{مجموع حالت‌ها}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۴)

۲- گزینه «۱»

(امیررضا زاکر زاره)

اگر تعداد تیم‌ها را x بگیریم، هر تیمی با x-1 تیم دیگر بازی می‌کند که می‌شود $\frac{x(x-1)}{2}$ بازی. از طرفی چون بازی‌ها به صورت رفت و برگشت

است، پس در مجموع $x(x-1)$ بازی داریم. پس:

$$x(x-1) = 56 \Rightarrow x^2 - x - 56 = 0 \Rightarrow (x-8)(x+7) = 0$$

$$\Rightarrow \begin{cases} x = 8 \checkmark \\ x = -7 \end{cases}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۴)

۳- گزینه «۱»

(سعید عزیزفانی)

تعداد زیرمجموعه‌های k عضوی یک مجموعه n عضوی با استفاده از رابطه $C(n, k) = \binom{n}{k}$ به دست می‌آید.

می‌خواهیم زیرمجموعه‌های ۵ عضوی انتخاب کنیم. اگر بخواهیم اعداد ۱ و ۲ در آن‌ها باشند، یعنی دو عضو از پنج عضو انتخاب شده و فقط به سه عضو دیگر نیاز داریم و $k = 3$ است. از طرفی نمی‌خواهیم اعداد ۷ و ۹ جزء انتخاب‌های ما باشند، پس آن‌ها را از بین اعضای مجموعه A حذف می‌کنیم و با حذف ۱ و ۲ (به دلیل انتخاب شدن) فقط از ۵ عضو دیگر می‌توانیم انتخاب کنیم و $n = 5$ است. بنابراین داریم:

$$\text{تعداد انتخاب‌ها} = \binom{5}{3} = 10$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱ تا ۱۱)

۴- گزینه «۴»

(مهمرب بیریانی)

با n نقطه می‌توان $\binom{n}{2}$ وتر رسم کرد. بنابراین:

$$\binom{n}{2} = \frac{n!}{(n-2)! \times 2!} = \frac{n(n-1)}{2}$$

$$\xrightarrow{\text{طبق فرض}} \frac{n(n-1)}{2} = 28 \Rightarrow n(n-1) = 56 = 8 \times 7$$

$$\Rightarrow n = 8$$

$$\text{تعداد مثلث‌ها} = \binom{8}{3} = \frac{8!}{5! \times 3!} = \frac{8 \times 7 \times 6}{6} = 56$$

$$\text{تعداد چهار ضلعی‌ها} = \binom{8}{4} = \frac{8!}{4! \times 4!} = \frac{8 \times 7 \times 6 \times 5}{4 \times 3 \times 2 \times 1} = 70$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱ تا ۱۱)

۵- گزینه «۴»

(امیر مهمربیان)

سؤال را با اصل متمم حل می‌کنیم.

تعداد کل حالات قرارگیری این ۹ نفر کنار هم برابر با ۹! است.

حالات نامطلوب، حالاتی است که هیچ دو مجرمی کنار هم نباشند. به این منظور

ابتدا ۵ پلیس را به ۵! طریق در کنار هم قرار می‌دهیم. حال در بین این ۵

نفر و ابتدای و انتهای آن‌ها ۶ جای خالی وجود دارد که اگر ۴ مجرم در ۴ جای

این ۶ جای خالی قرار گیرند، هیچ دو مجرمی کنار هم نخواهد بود. این کار به

حالت ممکن است: $P(6, 4)$

$$O p_1 O p_2 O p_3 O p_4 O p_5 O$$

پس تعداد حالات نامطلوب برابر است با:

$$5! \times P(6, 4) = 5! \times \frac{6!}{2!} = 60 \times 6! = 6! \times 60$$

بنابراین تعداد حالات مطلوب برابر است با:

$$9! - 60 \times 6! = (9 \times 8 \times 7 \times 6!) - 60 \times 6! = 6! (9 \times 8 \times 7 - 60)$$

$$= 6! (504 - 60) = 444 \times 6!$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۱۱)

۶- گزینه «۲»

(امیر زراندوز)

حروف «پلک» در کنار هم ۳! جایگشت دارند. بسته «پلک» و دو حرف

دیگر هم ۳! جایگشت دارند. بنابراین تعداد کلمه‌های ۵ حرفی با شرایط

خواسته شده، برابر است با:

$$3! \times 3! = 6 \times 6 = 36$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۱۱)

۷- گزینه «۱»

(مهمرب بیریانی)

ابتدا ۲ مهره آبی و ۲ مهره قرمز را انتخاب می‌کنیم که این کار به

$$\binom{4}{2} \times \binom{4}{2} \text{ راه امکان پذیر است. سپس برای چیدمان یک در میان آن‌ها ۲}$$

حالت وجود دارد یکی با مهره قرمز شروع کنیم و یا با مهره آبی شروع کنیم.

سپس مهره‌های قرمز ۲! و مهره‌های آبی نیز ۲! جایگشت دارند. بنابراین

تعداد حالت‌های مطلوب مسئله برابر است با:

$$\binom{4}{2} \times \binom{4}{2} \times 2 \times 2! \times 2! = \frac{4 \times 3}{2} \times \frac{4 \times 3}{2} \times 2 \times 2 \times 2$$

$$= 6 \times 6 \times 8 = 288$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۱۱)

۸- گزینه «۴»

(گلناز بینقی)

$$A = \text{تعداد اعضای مجموعه} = 2 \times 2 \times 2 = 8$$

$$B = \text{تعداد اعضای مجموعه} = 6 \times 6 = 36$$

(الف) هم A و هم B زوج هستند.

(ب) مقدار $A - B$ عددی منفی خواهد شد و عددی صحیح است نه طبیعی.

$$8 - 36 = -28$$

(ج) $A < B$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۵)



۹- گزینه «۱»

(ابوالفضل بویاری)

چون در مورد فرزند اول و سوم و پنجم چیزی گفته نشده، پس همه حالات ممکن برای این فرزندان را می‌نویسیم:

$$A = \{(پ, پ, د, د, پ, پ), (د, د, پ, پ, د, پ), (پ, پ, د, د, پ, پ), (پ, پ, پ, پ, د, د), (د, د, پ, پ, د, د), (د, د, د, د, پ, پ)\}$$

$$n(A) = 8$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۵)

۱۰- گزینه «۲»

(مهمربراهیم توزنده‌بانی)

تعداد کل حالت‌ها $2^8 = 256$ است چون برای هر جایزه دو حالت وجود دارد، (به گروه A برسد یا گروه B)

$$= \binom{8}{4} = 70$$

تعداد حالتی که به صورت مساوی جایزه‌ها تقسیم می‌شود.

بنابراین از ۲۵۶ حالت، ۷۰ حالت جایزه به‌طور مساوی تقسیم می‌شود و در ۱۸۶ حالت جایزه‌ها مساوی تقسیم نمی‌شود که در نصف این ۱۸۶ حالت یعنی ۹۳ حالت تعداد جایزه گروه A از گروه B بیشتر است.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۱۱)

ریاضی و آمار (۱)

۱۱- گزینه «۲»

(سعید عزیزبانی)

با توجه به اینکه $x = 5$ جواب معادله است، مقدار آن را در معادله جایگذاری می‌کنیم:

$$\frac{4(\delta) - 6}{\delta + 2m} - \frac{(\delta)^2 - 1}{\delta + 1} = \delta - 7 \Rightarrow \frac{14}{\delta + 2m} - \frac{24}{6} = -2$$

$$\Rightarrow \frac{14}{\delta + 2m} - 4 = -2$$

$$\Rightarrow \frac{14}{\delta + 2m} = 2 \Rightarrow \delta + 2m = \frac{14}{2} \Rightarrow \delta + 2m = 7$$

$$\Rightarrow 2m = 7 - \delta \Rightarrow m = 1$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۳۳ تا ۳۸)

۱۲- گزینه «۲»

(علی قهرمان‌زاده)

اتحاد مزدوج $\Rightarrow (3x)^2 - (\delta x - 1)^2 \Rightarrow (3x + \delta x - 1)(3x - \delta x + 1) = (\delta x - 1)(-2x + 1)$

$$2x^2 - \frac{(\delta x - 1)(-2x + 1)}{1 - 2x} = 9x^2$$

$$2x^2 - (\delta x - 1) = 9x^2 \Rightarrow 2x^2 - \delta x + 1 = 9x^2$$

$$\Rightarrow 7x^2 + \delta x - 1 = 0$$

$$\Delta = b^2 - 4ac = \delta^2 - 4(7)(-1) = 92 \Rightarrow \sqrt{92}$$

اختلاف ریشه‌ها $= \frac{\sqrt{\Delta}}{|a|} = \frac{\sqrt{92}}{7}$

$$= \frac{\sqrt{4 \times 23}}{7} = \frac{2\sqrt{23}}{7}$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۳۳ تا ۳۸)

۱۳- گزینه «۱»

(مهمربراهیم)

دو عدد طبیعی با اختلاف ۳ را به صورت x و $x+3$ در نظر می‌گیریم. بنابراین:

$$\frac{1}{x} + \frac{1}{x+3} = \frac{1}{2} \Rightarrow \frac{x+3+x}{x(x+3)} = \frac{1}{2}$$

$$\Rightarrow \frac{2x+3}{x^2+3x} = \frac{1}{2}$$

$$\Rightarrow x^2 + 3x = 4x + 6 \Rightarrow x^2 - x - 6 = 0$$

$$\Rightarrow (x-3)(x+2) = 0 \Rightarrow \begin{cases} x=3 \\ x=-2 \notin \mathbb{N} \end{cases}$$

غیرقابل قبول

بنابراین دو عدد ۳ و ۶ هستند و مجذورهای آن‌ها برابر ۹ و ۳۶ است. در نتیجه:

$$9 + 36 = 45$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۳۳ تا ۳۸)

۱۴- گزینه «۲»

(آروین حسینی)

با توجه به صورت سؤال $8 = \frac{\text{جرم نقره}}{\text{جرم مس}}$ ، اگر جرم مس را x در نظر بگیریم،

جرم نقره برابر $8x$ و جرم گلدان $9x + x = 9x$ می‌شود.

اگر بعد از ذوب گلدان ۲۰۰ گرم مس اضافه شود، جرم گلدان جدید

$$9x + 200 = \frac{4}{5} \text{ جرم نقره}$$

می‌شود و چون $\frac{4}{5}$ جرم نقره است، پس:

$$\frac{8x}{9x+200} = \frac{4}{5} \text{ طرفین } \Rightarrow 4(9x+200) = 5 \times 8x$$

وسطین

$$\Rightarrow 36x + 800 = 40x \Rightarrow 4x = 800 \Rightarrow x = 200$$

جرم گلدان قبل از ذوب $9x = 9(200) = 1800$ گرم

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۳۳ تا ۳۸)

۱۵- گزینه «۳»

(مهمربراهیم توزنده‌بانی)

$$\frac{x^2 - x + 3}{x^2 - 2x} - \frac{x}{x-2} = \frac{a}{x} \Rightarrow \frac{x^2 - x + 3 - x(x)}{x(x-2)} = \frac{a}{x}$$

$$\frac{x^2 - x + 3 - x^2}{x-2} = \frac{a}{x} \Rightarrow \frac{-x+3}{x-2} = \frac{a}{x} \Rightarrow x \neq 2 - x + 3$$

$$= ax - 2a$$

$$\Rightarrow 3 + 2a = (a+1)x \Rightarrow x = \frac{3+2a}{a+1}$$

برای آنکه جواب به‌دست آمده غیرقابل قبول باشد باید a یکی از اعداد زیر باشد:

(۱) $a = -1 \leftarrow$ که مخرج کسر صفر شود و غیرقابل قبول باشد.

(۲) جواب حاصل یکی از مخرج‌ها را صفر کند.

$$\left\{ \begin{array}{l} \frac{3+2a}{a+1} = 0 \Rightarrow 3+2a=0 \Rightarrow a = -\frac{3}{2} \\ \text{یا} \\ \frac{3+2a}{a+1} = 2 \Rightarrow 3+2a=2a+2 \Rightarrow 3=2 \end{array} \right.$$

غرض $3=2$

پس به‌ازای دو مقدار $a = -1$ و $a = -\frac{3}{2}$ معادله جواب ندارد.

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۳۳ تا ۳۸)

۱۶- گزینه «۴»

(معمد نظامی)

فرض کنیم شیر A در x ساعت استخر را پر می‌کند، پس شیر B همین کار را در $x+12$ ساعت انجام می‌دهد. بنابراین شیر A در یک ساعت $\frac{1}{x}$ و شیر B در یک ساعت $\frac{1}{x+12}$ استخر را پر می‌کنند. اگر هر دو با هم باز باشند، در یک ساعت $\frac{1}{8}$ استخر پر می‌شود. پس:

$$\frac{1}{x} + \frac{1}{x+12} = \frac{1}{8} \Rightarrow \frac{x+12+x}{x(x+12)} = \frac{1}{8} \Rightarrow 8(x+12) + 8x = x(x+12)$$

$$\Rightarrow 8x + 96 + 8x = x^2 + 12x \Rightarrow x^2 - 4x - 96 = 0$$

$$\frac{\text{تجزیه با کمک اتحاد جمله مشترک}}{\text{تجزیه با کمک اتحاد جمله مشترک}} \Rightarrow (x-12)(x+8) = 0 \Rightarrow \begin{cases} x=12 \text{ قق} \\ x=-8 \text{ غق} \end{cases}$$

پس می‌توان گفت شیر A در یک ساعت $\frac{1}{12}$ و شیر B در یک ساعت

$\frac{1}{24}$ از استخر را پر می‌کنند.

بعد از ۳ ساعت کار مشترک $3 \times \frac{1}{8} = \frac{3}{8}$ استخر پر شده است. پس $\frac{5}{8}$ باقیمانده از استخر را باید ۳ شیر با هم پر کنند، برای این کار، ابتدا باید مقداری که این ۳ شیر در یک ساعت از استخر را پر می‌کنند، محاسبه کنیم (t، مدت زمان کار مشترک سه شیر است):

$$\frac{1}{t} = \frac{1}{12} + \frac{1}{24} + \frac{1}{24} \Rightarrow \frac{1}{t} = \frac{2+1+2}{24} \Rightarrow \frac{1}{t} = \frac{5}{24} \Rightarrow t = \frac{24}{5}$$

مدت زمان مورد نیاز برای پر شدن $\frac{5}{8}$ استخر توسط هر ۳ شیر:

$$\frac{5}{8} \times \frac{24}{5} = 3 \text{ ساعت}$$

با توجه به اینکه $\frac{3}{8}$ استخر در ۳ ساعت و $\frac{5}{8}$ استخر در ۳ ساعت پر شد پس مدت زمان مورد نیاز برای پر شدن کل استخر ۶ ساعت بوده است.

(ریاضی و آمار، (I)، معادله درجه دو، صفحه‌های ۳۳ تا ۳۸)

۱۷- گزینه «۴»

(امیر محمودیان)

$$\left(x, \frac{2x+2}{3}\right) = \left(x, \frac{x+3}{2}\right) \Rightarrow \frac{2x+2}{3} = \frac{x+3}{2}$$

$$\Rightarrow 4x+4 = 3x+9 \Rightarrow x=5$$

با جایگذاری $x=5$ داریم:

$$\{(5,4), (y, y^2+3), (5,4), (y, 5y-5)\}$$

حال باید رابطه مقابل برقرار باشد:

$$y^2+3 = 5y-5$$

$$\Rightarrow y^2 - 5y + 8 = 0 \Rightarrow \Delta = 25 - 4(8) = -7$$

بنابراین هیچ مقدار حقیقی برای y وجود ندارد.

(ریاضی و آمار، (I)، تابع، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۹)

۱۸- گزینه «۳»

(امدرفشا، دکتر زاده)

$$(5, 2m) = (5, 4m-1) \Rightarrow 2m = 4m-1 \Rightarrow m = \frac{1}{2}$$

$$\left\{ (5,1), \left(5, n^2 - \frac{3n}{2}\right), (2n+1, n^2) \right\}$$

$$\Rightarrow (5,1) = \left(5, n^2 - \frac{3n}{2}\right) \Rightarrow n^2 - \frac{3n}{2} = 1 \Rightarrow n^2 - \frac{3n}{2} - 1 = 0$$

$$\Rightarrow (n-2)\left(n+\frac{1}{2}\right) = 0 \Rightarrow \begin{cases} n = -\frac{1}{2} \\ n = 2 \end{cases}$$

$n=2 \Rightarrow \{(5,1), (5,4)\}$ تابع نیست.

$$n = -\frac{1}{2} \Rightarrow \{(5,1), \left(0, \frac{1}{4}\right)\}$$
 تابع است.

بنابراین، تابع مورد نظر شامل ۲ زوج مرتب متمایز است.

(ریاضی و آمار، (I)، تابع، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۹)

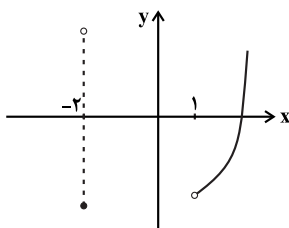
۱۹- گزینه «۳»

(ابوالفضل پوری)

با توجه به نمودار صورت سؤال ملاحظه می‌شود که در فاصله بین $-2 < x \leq 1$ و نقطه -۱، هر خط موازی محور y ها، نمودار را در بیش از یک نقطه قطع می‌کند.

بنابراین با حذف محدوده $-2 < x \leq 1$ از مقادیر x، رابطه مذکور به یک تابع تبدیل می‌شود.

در این صورت نمودار تابع به صورت زیر می‌باشد:



(ریاضی و آمار، (I)، تابع، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۹)

۲۰- گزینه «۲»

(معمد بهیرایی)

چون نمودار پیکانی معرف تابع f است، پس دو پیکان خارج شده از ۲ باید به یک عدد نظیر شوند. در نتیجه:

$$b+2 = 2b+1 \Rightarrow 2b = 1 \Rightarrow b = \frac{1}{2}$$

به همین ترتیب برای پیکان‌های خارج شده از ۳ داریم:

$$\frac{b}{a} = \frac{2}{a+3} \xrightarrow{b=\frac{1}{2}} \frac{1}{2a} = \frac{2}{a+3}$$

$$\Rightarrow 4a = a+3 \Rightarrow 3a = 3 \Rightarrow a = 1$$

$$4 \xrightarrow{\text{پیکان}} \frac{2}{a+3} \xrightarrow{a=1} \frac{2}{1+3} = \frac{2}{4} = \frac{1}{2}$$

پس پیکان از ۴ به $\frac{1}{2}$ نظیر می‌شود.

(ریاضی و آمار، (I)، تابع، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۹)

علوم و فنون ادبی (۳) و (۱)

۲۱- گزینه «۳»

(عزیز الیاسی پور)

تشریح موارد نادرست:

الف) فروغی بسطامی از مقلدان سبک عراقی در غزل سرایی بود.

ب) شعر «ای قلم» را نسیم شمال سروده است.

ه) «شمس و طغرا» را محمدا باقر میرزا خسروی نوشته است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۳، ۱۶ تا ۱۹)

۲۲- گزینه «۱»

(سعید یعفری)

تشریح دیگر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: کسی که قصیده تمام و کمال در زمینه موعظه و نصیحت سرود، «کسای مروزی» بود، سپس «ناصر خسرو» راه او را ادامه داد.

گزینه «۳»: رایج‌ترین انواع شعر فارسی در این دوره اشعار «حماسی»، «مدحی» و «غنایی» بودند.

گزینه «۴»: در شعر این دوره استعاره‌های دلپذیر دیده می‌شود، اما استعاره‌های بدیع دیده نمی‌شود. استعاره‌های بدیع و خیال‌انگیز از ویژگی‌های سبک هندی است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه ۴۳)

۲۳- گزینه «۳»

(مجتبی فخرهاری)

منظومه «درخت آسوریک» و «بادگار زبیران» هر دو اصل پارتی دارند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه ۴۰)

۲۴- گزینه «۲»

(سیدعلیرضا علویان)

تنها اثری که نام نویسنده آن نادرست ذکر شده است، نمایش‌نامه «آیده‌آل» است که به قلم میرزاده عشقی می‌باشد. صاحبان سایر آثار به‌درستی معرفی شده‌اند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۳، ۱۶، ۱۸ و ۲۰)

۲۵- گزینه «۴»

(مجتبی فخرهاری)

سجع به‌کاررفته در بیت گزینه «۴» (جان و استخوان) از نوع مطرف است؛

اما سجع‌های دیگر گزینه‌ها، همگی متوازی هستند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: عشاق - آفاق - تریاق (متوازی)

گزینه «۲»: شرر - نظر (متوازی)

گزینه «۳»: شیرین - زربین (متوازی)

(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، صفحه ۵۳)

۲۶- گزینه «۱»

(یاسین مهریان)

نوع سجع در همه عبارات، از نوع «متوازی» است؛ اما نوع سجع گزینه «۱»، از نوع «مطرف» است.

در این گزینه، کلمات «خواست»، «آراسته»، «نشسته» و «بسته» با یکدیگر هم‌وزن نیستند؛ بنابراین نمی‌توانند سجع متوازی داشته باشند.

توجه داشته باشید که «دیده» در انتهای جمله قرار نگرفته است؛ پس نمی‌توانیم آن را با «بسته» دارای سجع متوازی بدانیم.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «علتی» و «زلتی»: سجع متوازی

گزینه «۳»: «مردن» و «بردن»: سجع متوازی

گزینه «۴»: «رفته» و «بسته»: سجع متوازی

(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، صفحه ۵۳)

۲۷- گزینه «۱»

(عزیز الیاسی پور)

تا	رَنج	ت	خَم	مُل	نَ
-	U-	U	-	-	U
كُ	نی	گَنج	نَ	بی	نی
U	-	U-	U	-	-

بلند/ کشیده/ کوتاه/ بلند/ بلند/ کوتاه/ بلند/ کشیده/ کوتاه / بلند/ بلند

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۳۸ و ۴۹)

۲۸- گزینه «۴»

(سیدعلیرضا احمدی)

در سایر ابیات، در پایان نیم‌مصراع‌های اول، دوم و سوم، کلمات هماهنگ دیده می‌شود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «سحرگاهی»، «می‌خواهی» و «خرگاهی» در پایان نیم‌مصراع‌ها آمده‌اند و سجع می‌سازند.

گزینه «۲»: «گوهر» و «عَیْهر» در پایان نیم‌مصراع‌ها آمده‌اند و سجع می‌سازند.

گزینه «۳»: «باهو»، «کوکو» و «بو» در پایان نیم‌مصراع‌ها آمده‌اند و سجع می‌سازند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، صفحه ۵۳)

۲۹- گزینه «۳»

(یاسین مهریان)

هجاهای بلند مصراع دوم: چن - دز - هر - زش - کو - خا - هی - شد (هشت عدد)

هجاهای بلند مصراع چهارم: آ - خر - رو - خا - هی - شد (شش عدد)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «و» به‌شکل مصوت کوتاه (ضمه): «گ» در ترکیب «رنگ و بو» - «ت» در ترکیب «زشت و نکو» / «و» به‌شکل مصوت بلند (او): «بو»، «نکو» و «فرو»

گزینه «۲»: وزن رباعی، به دو شکل دسته‌بندی هجایی می‌شود: ۱- «مفعول مفاعیل مفاعیل فعل»، ۲- «مستفعل مستفعل مستفعل فعل» / با توجه به گفته کتاب علوم و فنون ادبی (۳)، در صفحه ۲۶، وزن همسان بر وزن ناهمسان برتری دارد؛ بنابراین، می‌توان گفت وزن رباعی، همسان است و از چهار پایه آوایی تشکیل شده است.



(مجتبی فرهادی)

۳۵- گزینه «۳»

وزن بیت گزینه «۳»، از پایه‌های آوایی همسان «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن» تشکیل شده است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مفاعن فعلاتن مفاعن فعلمن

گزینه «۲»: مفعول مفاعن مفاعیلن

گزینه «۴»: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلمن

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

(سیدعلیرضا اعمری)

۳۶- گزینه «۱»

وزن بیت، «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلمن» است؛ در حالی که وزن مصراع «ه»، «مفاعن فعلاتن مفاعن فعلمن» است.

تشریح سایر عبارات:

الف) هر دو شعر، با استفاده از تشبیه مضمیر، رخ یار را به گل مانند کرده‌اند.

ب) برش هجایی دیگر وزن «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلمن»، «مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل» است.

ج) تشبیه مضمیر (پنهان) رخ به گلستان و تشبیه لب به قند / تناسب: باغ و گلستان

د) اوزانی که با رکن «مفعول» شروع می‌شوند، دو دسته‌بندی هجایی دارند.

توضیح نکته درسی:

اوزانی که دسته‌بندی هجایی دوگانه‌ای دارند:

مفعول مفاعن فعولن = مستفعلن فاعلات مستف (هر دو ناهمسان)

مفعول فاعلات مفاعیل فاعلمن = مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل (هر دو ناهمسان)

مفعول مفاعیل مفاعیل فعل = مستفعلن مستفعلن مستفعلن فعل (اولی ناهمسان و دومی همسان)

مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن = مستفعلن مفعولن مستفعلن مفعولن (هر دو همسان)

مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن = مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن (هر دو همسان)

مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن = مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستف (اولی ناهمسان و دومی همسان)

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

(سعید معفری)

۳۷- گزینه «۳»

در ابیات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» مفهوم اصلی، مددگرفتن از پیر طریقت و اولیاست. در بیت گزینه «۱»، «اولیاست»، در بیت گزینه «۲»، «خضر» و در بیت گزینه «۴»، «پیران سحرخیز» در جایگاه همان کسی هستند که شاعر از آن‌ها مدد می‌گیرد یا توصیه می‌کند از راهنمایی آن‌ها غافل نشویم، اما در بیت گزینه «۳» این معنی دیده نمی‌شود؛ شاعر می‌گوید ناله پیر خانقاه و گریه کودک بی‌گناه هر دو از غم یار و معشوق است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحه ۲۸)

گزینه «۴»: هجاهای کشیده رباعی: «چند» در مصراع اول، «یات» در واژه «حیات» در مصراع سوم و «خاک» در مصراع چهارم / هجای کشیده «یات» در واژه «حیات» در مصراع سوم، به دلیل آن که هجای پایان مصراع است، بلند در نظر گرفته می‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

(سیدعلیرضا علویان)

۳۰- گزینه «۳»

در این بیت، هیچ هجای کشیده‌ای یافت نمی‌شود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: راز، آگاه (گاه)، راه

گزینه «۲»: سهراب (راب)

گزینه «۴»: پیلتن (پیل)، بابزن (باب)

تکته: هجای کشیده در پایان مصراع (هم‌چنین پایان نیم مصراع)، بلند محسوب می‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه ۴۰)

(سیدعلیرضا اعمری)

۳۱- گزینه «۳»

در واژه‌های «کریم، زیرک، بیکار و تیر»، واج «ی» مصوت است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه ۵)

(هومن نمازی)

۳۲- گزینه «۲»**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: مفتعلن فع مفاعیلن فع

گزینه «۳»: مفتعلن فاعلمن مفتعلن فاعلمن

گزینه «۴»: مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه ۲۴)

(شیوا نظری)

۳۳- گزینه «۳»

وزن سایر ابیات، «مفعول مفاعیلن فعولن» است و وزن بیت گزینه «۳»، «مفعول مفاعیلن مفاعیلن» می‌باشد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۵ و ۲۶)

(یاسین مهریان)

۳۴- گزینه «۳»

وزن این بیت، «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن» می‌باشد که رکن «مفعول» در آن دیده نمی‌شود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مفعول فاعلات مفاعیلن

گزینه «۲»: مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن

گزینه «۴»: مفعول مفاعیلن فعولن

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)



جامعه‌شناسی (۳)

۳۸- گزینه «۲»

(سیرعلیرضا امیری)

عبارت صورت سؤال و بیت گزینه «۲» هر دو به رازپوشی و فاش نکردن اسرار عشق اشاره دارند.

تشریح‌گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: دل عارف جای اسرار الهی است، ولی گنجایش این اسرار را ندارد.

گزینه «۳»: تصویری از مکالمه و نجوای عشق با جان را در تنهایی ترسیم می‌کند و تلویحاً به این نکته اشاره دارد که عشق با جان آمیخته می‌شود نه با جسم و ظواهر آدمی.

گزینه «۴»: سر عشق را نمی‌توان پنهان کرد و بالاخره فاش می‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهومی، صفحه ۵۴)

۳۹- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمانهای)

مفهوم مشترک ابیات «ب» و «د»، «ترک نکردن کوی دوست علی‌رغم ملامت و سختی‌ها» است.

مفهوم ابیات دیگر:

بیت الف) عاشق گرفتاری، جفا و خواری از سوی معشوق را با جان و دل می‌پذیرد.

بیت ج) بلبل به عشق گل، همواره جفای خار را تحمل می‌کند؛ بنابراین هرکس در شوق رسیدن به گل (معشوق) است، باید حتماً تحمل خار (بلاهای راه عشق) را هم داشته باشد.

نقد علمی: مفهوم ابیات «الف و د» هم خیلی به هم نزدیک است؛ در هر دوی این ابیات این مطلب بیان شده است که عاشق از سختی‌های راه عشق باکی ندارد و همه این سختی‌ها را به جان می‌خرد. ضمناً در این دو بیت شاعر عاشق، خود را به خار و خاک تشبیه می‌کند که در بیت «الف» خار و پست‌بودن خار را مدنظر دارد و در بیت «د» هم پایین‌بودن سطح خاک و پستی آن را مورد تأکید قرار می‌دهد. با این حال، سازمان سنجش همان گزینه «۳» را به‌عنوان پاسخ سؤال معرفی کرده است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهومی، صفحه ۵)

۴۰- گزینه «۳»

(سیرعلیرضا امیری)

مفهوم مصراع صورت سؤال «دل کندن عاشق از معشوق» است که در ابیات «الف، ب و ه» دیده می‌شود.

تشریح ابیات دیگر:

ج) شاعر در این بیت در مقابل قدرت یار، اظهار ناتوانی می‌کند.

د) روزی همانند مرغ دست‌آموزی است که از طلب و خواهش بی‌نیاز است. درواقع شاعر می‌گوید روزی مقدر است و تلاش بیشتر برای کسب روزی فایده‌ای ندارد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهومی، صفحه ۲۷)

۴۱- گزینه «۴»

(آزیتا بیدرقی)

علت سرعت شگرف آگاهی ← سخن گفتن

علت فراتر رفتن انسان از دیده‌ها، شنیده‌ها و ... ← تفکر و تعقل

شکل‌گیری ذخیره دانشی ← تجربه‌های فردی و اجتماعی و مطالعات مدرسه‌ای و دانشگاهی

(پایانه‌شناسی (۳)، ذخیره دانشی، صفحه‌های ۲ و ۳)

۴۲- گزینه «۳»

(امیرمهدی افشار)

بررسی عبارت نادرست:

-کنش آدمی وابسته به آگاهی است و بدون آگاهی انجام نمی‌شود، ولی ما اغلب از آگاهی و دانشی که درباره کنش‌های خود داریم و اهمیت و نقشی که این آگاهی در زندگی ما دارد، غافلیم.

(پایانه‌شناسی (۳)، ذخیره دانشی، صفحه ۳)

۴۳- گزینه «۴»

(ریحانه امینی)

ما درباره دانش عمومی کمتر می‌اندیشیم؛ بیشتر از آن استفاده می‌کنیم. دانش عمومی برای زندگی اجتماعی، مانند هوا برای انسان است. انسان همواره از هوا استفاده می‌کند، اما اغلب متوجه آن نیست و از اهمیت آن غافل است. او هنگامی متوجه وجود هوا می‌شود که تغییری در آن رخ دهد و تنفس را با مشکل مواجه نماید.

(پایانه‌شناسی (۳)، ذخیره دانشی، صفحه ۴)

۴۴- گزینه «۲»

(سیرمهدی مرئی دینانی)

جهان‌های اجتماعی مختلف براساس هویت فرهنگی خود، تعاریف متفاوتی از دانش علمی دارند؛ مثلاً جهان متجدد، براساس هویت دنیوی خود، فقط علم تجربی را علم می‌داند.

(پایانه‌شناسی (۳)، ذخیره دانشی، صفحه ۶)

۴۵- گزینه «۳»

(فاطمه صفری)

نمودار «الف» مربوط به دیدگاه دوم و نمودار «ب» مربوط به دیدگاه سوم از تعامل دانش عمومی و دانش علمی با یکدیگر است.

دیدگاه دوم در تقابل با رویکرد اول، این ادعا را که دانش علمی، راه کشف واقعیت و دانش عمومی، دانش حاصل از زندگی است انکار می‌کند و همه دانش‌ها را دانش حاصل از زندگی می‌داند. دانش‌ها کشف و بازخوانی واقعیت نیستند، بلکه خلق و بازسازی آن هستند که انسان‌ها برای سامان دادن به زندگی خود تولید می‌کنند. برتری دانش تجربی بر دانش حاصل از زندگی را بی‌اعتبار می‌داند و به‌عکس دانش عمومی را پایه و اساس هرگونه دانشی از جمله دانش تجربی می‌داند. در برخی از نحله‌های این دیدگاه، مرز دانش علمی و دانش عمومی فرو می‌باشد.

(فاطمه صفری)

۴۹- گزینه «۱»

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: درست - نادرست (از فواید علوم طبیعی است).

گزینه «۲»: درست - درست

گزینه «۳»: نادرست (از فواید علوم اجتماعی است). - درست

گزینه «۴»: نادرست (از فواید علوم اجتماعی است). - درست

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه‌های ۱۳ و ۱۵)

(کتاب آبی پیمان‌های)

۵۰- گزینه «۳»

- زندگی اجتماعی انسان به دلیل اینکه ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... دارد، شاخه‌ها و دانش‌های اجتماعی متفاوتی را پدید آورده است.

- در جامعه‌شناسی براساس دوری و نزدیکی به علوم طبیعی، رویکردهای متفاوتی شکل گرفته است. جامعه‌شناسی تبیینی، تفسیری و انتقادی سه رویکرد اصلی جامعه‌شناسی‌اند.

- جامعه‌شناسی کلان، ساختار اجتماعی و سایر پدیده‌های اجتماعی کلان را بررسی و مطالعه می‌کند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه ۱۶)

جامعه‌شناسی (۱)

(ریحانه امینی)

۵۱- گزینه «۲»

- آزادی: کلان و ذهنی

- کارت هدیه: خرد و عینی

- وزارت کشور: کلان و عینی

- تصور مریم از روز تولدش: خرد و ذهنی

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۲۷ و ۲۸)

(آرزیتا بیدقی)

۵۲- گزینه «۲»

تشریح عبارت نادرست:

هیچ جامعه‌ای بی‌نیاز از هنجارها و نمادها نیست؛ ولی هنجارها و نمادها برحسب شرایط در زمینه‌های مختلف قابل تغییرند و تغییر برخی از آنها تا زمانی که به تغییر در لایه‌های عمیق منجر نشود، موجب تحول و تغییر بنیادین جهان اجتماعی نمی‌شود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: صحیح - صحیح

گزینه «۳»: غلط (لایه‌های عمیق کمتر در معرض تغییر قرار می‌گیرند). -

غلط (نهادهای اجتماعی در جوامع گوناگون، متفاوت هستند).

گزینه «۴»: صحیح - صحیح

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳۰ و ۳۱)

در دیدگاه سوم، دانش علمی به دانش تجربی محدود نمی‌شود، بلکه دانش‌های فراتجربی مانند دانش‌های عقلانی و وحیانی را نیز شامل می‌شود که هر کدام ملاک سنجش و اعتباریابی خاص خود را دارد. دانش عمومی نیز دانش غیر موقوت و نامعتبر نیست، بلکه کم‌وبیش در آن دانش‌های حقیقی و صحیح نیز وجود دارد. دانش علمی به دلیل امکان اعتباریابی، نسبت به دانش عمومی از اعتبار بیشتری برخوردار است. دانش علمی ضمن ریشه داشتن در دانش عمومی، امکان انتقاد از دانش عمومی و تصحیح آن را دارد.

دانش عمومی و دانش علمی رابطه متقابل دارند. بر یکدیگر اثر گذاشته و از هم اثر می‌پذیرند و به مرور متناسب می‌شوند. از این رو هر دانش علمی، با هر دانش عمومی سازگار نیست.

(جامعه‌شناسی (۳)، ذفیره دانشی، صفحه ۸)

(کتاب آبی پیمان‌های)

۴۶- گزینه «۴»

- علوم اجتماعی، به دانش‌هایی گفته می‌شود که اجتماعات انسانی و چگونگی اثرگذاری آنها بر کنش‌ها و شیوه زندگی ما و همچنین اثرپذیری آنها از کنش‌ها و شیوه زندگی ما را به روش علمی مطالعه می‌کنند.

- روان‌شناسی، نمونه‌ای از علوم انسانی است که خارج از محدوده علوم اجتماعی قرار می‌گیرند.

- علوم انسانی درباره کنش‌های انسان و آثار و پیامدهای آن بحث می‌کنند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه‌های ۱۰ و ۱۱)

۴۷- گزینه «۲»

می‌دانید که برخی از کنش‌های انسان‌ها، اجتماعی‌اند. علوم انسانی، کنش‌های انسانی و پیامدهای آن را مطالعه می‌کنند ولی علوم اجتماعی، کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن را مطالعه می‌کنند. موضوع علوم انسانی عام‌تر از موضوع علوم اجتماعی است و علوم اجتماعی خود بخشی از علوم انسانی محسوب می‌شوند، ولی برخی علوم انسانی در زمره علوم اجتماعی نیستند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه ۱۱)

(کوثر شاه‌سینینی)

۴۸- گزینه «۳»

- علوم اجتماعی، ظرفیت داوری درباره ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و نقد و اصلاح آنها را دارند. علوم اجتماعی با داوری درباره پدیده‌های اجتماعی و انتقاد از آنها، فرصت موضع‌گیری اجتماعی مناسب و صحیح را برای دانشمندان فراهم می‌آورند.

- علوم اجتماعی، درباره فرصت‌ها و محدودیت‌های فناوری به انسان‌ها آگاهی می‌دهند و به آنها کمک می‌کنند که از طبیعت و علوم طبیعی به شیوه صحیح استفاده کنند. از این رو، علوم اجتماعی نسبت به علوم طبیعی از اهمیت بیشتری برخوردارند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه ۱۳)

۵۳- گزینه «۱»

(سیرممر مرئی رینائی)

اگر ما فقط جهانی را ببینیم که در آن متولد شده‌ایم؛ شاید گمان کنیم که جهان اجتماعی تنها یک شکل دارد ولی هنگامی که بر جوامع دیگر در نقاط مختلف دنیا چشم می‌گشاییم و یا به تاریخ گذشته خود رجوع می‌کنیم و این جهان‌ها را با هم مقایسه می‌کنیم، به تنوع جهان‌های اجتماعی پی می‌بریم.
(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه ۳۵)

۵۴- گزینه «۳»

(امیرمهری افشار)

انسان‌ها در هر موقعیتی که قرار می‌گیرند، ابتدا آن موقعیت را برای خود تعریف می‌کنند و به آن معنا می‌دهند و سپس در آن موقعیت دست به عمل می‌زنند. تنوع آگاهی و معرفت انسان‌ها و همچنین تنوع اراده و اختیار آنها، سبب پیدایش جهان‌های اجتماعی مختلف می‌شود. هر جهان اجتماعی تا زمانی که از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، پیامدهای آن نیز باقی است. منظور از جهان متجدد، غرب بعد از رنسانس یعنی جهان غرب چهارصدسال اخیر است.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳۶، ۳۷ و ۳۸)

۵۵- گزینه «۴»

(کوثر شاه‌سینئی)

عده‌ای از جامعه‌شناسان همانند دورکیم، آگوست کنت، اسپنسر و مارکس، معتقدند همه جوامع مسیر یکسانی را طی می‌کنند؛ یعنی همه آنها شبیه یک نوع موجود زنده‌اند و تفاوتشان همانند تفاوتی است که آن موجود زنده در مراحل مختلف رشد خود از دوران کودکی تا مراحل بزرگسالی پیدا می‌کند. این عده، نگاه خطی به تاریخ بشر دارند. در این دیدگاه، همه جوامع در یک خط قرار می‌گیرند؛ بعضی از آنها در این مسیر واحد، پیشرفته‌ترند و بعضی در مقایسه با جوامع پیشرفته، عقب مانده‌اند و جوامعی که به لحاظ تاریخی عقب مانده‌اند، باید جوامع پیشرفته را الگوی حرکت خود قرار دهند.
(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳۸ و ۳۹)

جامعه‌شناسی (۲)

۵۶- گزینه «۴»

(امیرمهری افشار)

سکولاریسم پنهان: شامل باورها و فلسفه‌هایی است که ابعاد معنوی هستی را نفی نمی‌کنند؛ بلکه بخش‌هایی از باورهای معنوی و دینی را در خدمت اهداف دنیوی و این جهانی قرار می‌دهند و از توجه یا عمل به بخش‌های دیگر سر باز می‌زنند. رویکرد گزینشی جهان غرب به ابعاد معنوی و دینی جهان، سبب پیدایش و رشد برخی نهضت‌های جدید دینی شده است که از آن با عنوان پروتستانتیسم یاد می‌شود. مانند دیدار سران کشورهای اروپایی با پاپ در جهان غرب. در جهان غرب سکولاریسم به صورت جهان‌بینی غالب درآمد است؛ به گونه‌ای که دین‌داران؛ ناگزیر هنجارها و رفتارهای دینی خود را توجیه دنیوی و این جهانی می‌کنند. مانند توجیه هنجارها و رفتارهای دینی با تفاسیر دنیوی.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه ۳۸)

۵۷- گزینه «۳»

(ریحانه امینی)

جدول کامل شده به شرح زیر است:

روشنگری		
دوره زمانی	ویژگی	پیامد
هفدهم و هجدهم	عقل‌گرایی، نفی وحی	دئیسم
نوزدهم و بیستم	حس‌گرایی، نفی عقل و وحی	دانش‌ابزاری
پایان قرن بیستم	افول تجربه‌گرایی، نفی تجربه، نفی عقل و وحی	بحران معرفتی

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه ۴۴)

۵۸- گزینه «۳»

(کوثر شاه‌سینئی)

جنگ‌های صلیبی، مواجهه اروپاییان با مسلمانان و بالاخره فتح قسطنطنیه، زمینه‌های فرو ریختن اقتدار کلیسا را فراهم کرد. به متکلمان برجسته مسیحی، آباء کلیسا (پدران کلیسا) گفته می‌شد. اندیشه‌های آنان نقش مهمی در آموزه‌های مسیحیت داشته است. آنها تفاسیری بر کتاب مقدس می‌نوشتند، امور مربوط به ایمان و شرایط آن را شرح می‌دادند و تعالیم مسیحی را انتقال می‌دادند.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه ۴۷)

۵۹- گزینه «۲»

(ریحانه امینی)

تشریح عبارات نادرست:

- نظام ارباب - رعیتی در غرب که از آن با عنوان فئودالیسم یاد می‌شود، نوعی برده‌داری بود.
- انقلاب صنعتی، مجموع نوآوری‌های فنی و اقتصادی بود که در اواسط قرن هجدهم برای اولین بار در انگلستان پدید آمد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۵۰ و ۵۲)

۶۰- گزینه «۱»

(آزیتا بیدقی)

- مجسمه داوود اثر میکل آنژ ← بازگشت به هنر یونان باستان
- علت عدم امکان گسترش حرکت‌های اعتراض‌آمیز نوع دوم ← هجوم کاتولیک‌ها و دیگر پروتستان‌ها
- فراهم شدن زمینه‌های عبور از اقتصاد کشاورزی ارباب - رعیتی ← رشد تجارت، کشف آمریکا، بالا گرفتن تب طلا
- اشتراک کشیشان مورد حمایت شاهزادگان اروپایی ← مخالفت با قدرت پاپ
- نخستین انقلاب لیبرال در جهان ← انقلاب فرانسه

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۴۸ و ۵۳)



روان‌شناسی

۶۱- گزینه «۲»

(همیدرضا تولگی)

شناسایی و پیش‌بینی تغییرات در طول زندگی که به آن «فراخوانی زندگی» نیز گفته می‌شود، مورد توجه روان‌شناسان رشد قرار گرفته است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۳۷)

۶۲- گزینه «۳»

(همیدرضا تولگی)

رسش دارای برنامه زیستی است و از ابتدا آشکار نیست، بلکه نوعی آمادگی خاص نهفته است.

از آنجا که وراثت نقش تعیین‌کننده‌ای در رسش یا آمادگی زیستی افراد برای تغییرات دارد، در بسیاری از موارد با توجه به بررسی خصوصیات افراد فامیل نزدیک و دور می‌توان احتمال وقوع برخی از ویژگی‌های رفتاری و شناختی را در دامنه‌های سنی خاص پیش‌بینی کرد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۴۰ و ۴۱)

۶۳- گزینه «۴»

(مهمربیبی)

تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: دوقلوهای همسان شبیه به یکدیگر هستند، زیرا از یک تخمک مشترک به وجود آمده‌اند.

گزینه «۲»: شباهت رفتاری و ظاهری دوقلوها لزوماً منحصر به دوره کودکی و نوجوانی نیست.

گزینه «۳»: دوقلوهای ناهمسان ممکن است همجنس باشند و ممکن است همجنس نباشند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۴۰)

۶۴- گزینه «۲»

(مهسا عفتی)

سارا که به تازگی وارد دوره نوپایی شده تقریباً ۱۲ ماهه است و احتمالاً هیجانانگیزترین مرحله در او هنوز بروز نیافته باشد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۳۹)

۶۵- گزینه «۲»

(همیدرضا تولگی)

- ترس از غریبه در ۷-۸ ماهگی است.

- اولین علامت رشد اجتماعی در ۳-۲ ماهگی لبخند اجتماعی است.

- بازی‌های موازی در ۴ تا ۵ سالگی است. در این بازی‌ها کودکان علاقه‌مندند در کنار یکدیگر باشند، ولی به تنهایی بازی کنند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۵۱)

۶۶- گزینه «۱»

(مهمربیبی)

فکر کردن به منافع عموم برای انجام کاری بیشتر با حیطة اخلاقی سروکار دارد تا حیطة شناختی. (۱ مورد)

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۳۷)

۶۷- گزینه «۲»

(مهمربیبی)

تشریح گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ترس، هیجان ساده

گزینه «۲»: ندامت و پشیمانی، هیجان مرکب

گزینه «۳»: محبت، هیجان ساده

گزینه «۴»: خشم، هیجان ساده

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۴۹)

۶۸- گزینه «۴»

(مهسا عفتی)

دوره نوپایی از ۱۲ ماهگی تا ۳ سالگی است. اما مهارت بلند شدن از وضعیت نشسته بین ۹ تا ۱۲ ماهگی بروز می‌یابد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۴۴ و ۴۷)

۶۹- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمان‌های)

از آنجا که وراثت نقش تعیین‌کننده‌ای در رسش یا آمادگی زیستی افراد برای تغییرات دارد، در بسیاری موارد، با توجه به بررسی خصوصیات افراد فامیل نزدیک و دور می‌توان احتمال وقوع برخی از ویژگی‌های رفتاری و شناختی را در دامنه‌های سنی خاص پیش‌بینی کرد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۴۱)

۷۰- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمان‌های)

بیت داده شده مربوط به رشد اخلاقی است. رشد اخلاقی دربرگیرنده آن دسته از قوانین و مقررات اجتماعی است که تعیین می‌کنند انسان‌ها در رابطه با دیگران چگونه باید رفتار کنند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۴۸ و ۵۰ تا ۵۲)

عربی زبان قرآن (۳) و (۱)

۷۱- گزینه «۱»

(هسین رضایی)

«اللَّهُ الَّذِي»: خدا همان کسی است که (رد گزینه ۲) / «يُرْسِلُ»: می‌فرستد، روانه می‌کند / «الرِّيَّاحِ»: بادها (رد گزینه ۴) / «تَثِيرُ» (فعل مؤنث است و به «الرِّيَّاحِ» بادها) برمی‌گردد، نه «الله»: بر می‌انگیزند (رد گزینه‌های ۳ و ۴)، «تا ... حرکت دهند» در گزینه «۲» نادرست است. / «سَحَابًا»: ابری (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «يَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ»: آن را در آسمان می‌گستراند (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

(ترجمه)

۷۲- گزینه «۳»

(ولی بریبی - ابهر)

«الحميم»: صمیمی (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «هُوَ الَّذِي»: همان کسی است که، کسی است که (رد گزینه ۱) / «يَجْتَنِبُ»: دوری می‌کند، اجتناب می‌کند (رد گزینه ۴) / «لَا يُجَاوِلُ»: تلاش نمی‌کند (رد گزینه ۱) / «يُصْرَتُ»: اصرار می‌کند، پافشاری می‌کند (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

(ترجمه)



۷۳- گزینه «۲»

(ممدیر/شا قاندر امینی - اصفهان)

«العالم الأكبر الذی»: جهان بزرگتری که (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «قد انطوی»: به هم پیچیده شده است / «یدعونا»: ما را دعوت می‌کند، ما را فرا می‌خواند (رد گزینه ۱) / «یُعطينا»: به ما می‌دهد / «تتخلَّص»: رهایی می‌یابیم، خلاص می‌شویم (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

تکات مهم درسی:

۱- در تست‌های ترجمه، دقت کنید که فعل به صورت اسم ترجمه نشود.
۲- هرگاه پس از اسم «ال» دار، «الذی» بیاید؛ اسم «ال» دار معمولاً به صورت اسم نکره ترجمه می‌شود و «الذی» به معنای «که» می‌آید:
العالم الأكبر الذی : جهان بزرگتری که

(ترجمه)

۷۴- گزینه «۱»

(معمومه ملکی)

«تَعَلَّمُوا و عَلَّمُوا»: یاد بگیرید و یاد بدهید، بیاموزید و آموزش بدهید (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «لَا تَمُوتُوا جُهَالًا»: نادان نمیرید (رد گزینه ۴) / «لَا يَعْذِرُ»: عذر نمی‌پذیرد (رد گزینه ۴) / «الجهل»: نادانی، جهالت (رد گزینه ۳)

(ترجمه)

۷۵- گزینه «۲»

(علی مسن زاره)

«إِنَّ الْأَمَّ»: یقیناً مادر..... (رد گزینه‌های ۱ و ۴) (حرف «إِنَّ» کل جمله بعد از خود را تأکید می‌کند، در صورتی که در گزینه‌های «۱ و ۴»، بر روی بخشی از جمله تأکید شده است.) / «لَا مَثِيلَ لَهَا»: هیچ نظیری (هیچ مانندی) ندارد (رد گزینه ۳) / «لَنْ يَنْتَعِرَ»: تغییر نخواهد یافت، عوض نخواهد شد (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «لَيْتَنِي عَرَفْتُ»: «کا..... دانسته بودم (می‌دانستم) (رد گزینه‌های ۳ و ۴) (لینت + فعل ماضی ← ماضی بعید یا ماضی استمراری فارسی)

(ترجمه)

۷۶- گزینه «۳»

(سیره مهیا مؤمنی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: تأکید «إِنَّ» بر روی کل جمله پس از خود است، پس لازم است ترجمه آن در ابتدای جمله بیاید، هم‌چنین «لَا يَغْتَبِرُ» فعل مضارع به معنی «تغییر نمی‌دهد» است: «بی‌شک خداوند آنچه را در قومی هست، تغییر نمی‌دهد...»

گزینه «۲»: «لَا يَحْزَنُكُمْ»: نباید شما را ناراحت کند

گزینه «۴»: «كَانَ قَدْ عَزَمَ»: تصمیم گرفته بود (معادل ماضی بعید فارسی) / «شراءها»: خرید آن، خریدش

(ترجمه)

۷۷- گزینه «۴»

(معمور باربرین - یاسوج)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «تَسَاقَطُ» مصدر باب تفاعل است و باید به صورت «افتادن» ترجمه شود.

گزینه «۲»: با توجه به ضمیر مخاطب «کم»، فعل «شَجَعُوا»، فعل امر است و باید به صورت «تشویق کنید» ترجمه شود.

گزینه «۳»: «كَانَ تَعَلَّمُ» (كانَ + فعل مضارع) باید به صورت ماضی استمراری (یاد می‌گرفتم) ترجمه شود.

(ترجمه)

۷۸- گزینه «۱»

(روح‌الله گلشن)

«باید (شما):» «علیکم، یجبُ / «بدانید»: آن تعلموا، أن تعرفوا (از صیغهٔ «مخاطب» است، نه «غائب») (رد گزینه ۲) / «سود می‌رساند»: تنفع (فعل است، نه اسم) (رد گزینه ۴)، ضمناً مضارع است، نه ماضی (رد گزینه ۳) / «تاریکی‌ها»: ظلمات (جمع است، نه مفرد) (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «می‌کشاند»: تسحب (مضارع است، نه ماضی) (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

(ترجمه)

ترجمهٔ متن درک مطلب:

سختی‌ها در زندگی اموری نسبی هستند، هرچیزی برای نفس کوچک بسیار سخت است، و هیچ سختی‌ای نزد نفس بزرگ، سخت نیست! با وجود سختی زندگی که همه آن را می‌بینند، انسان قوی می‌داند که همیشه چیزی وجود دارد که می‌تواند بدان بپردازد و موفق شود، و موضوع مهم تنها این است که تسلیم نشود و نپذیرد که سختی‌های زندگی زیاد می‌شود، بلکه برای ساختن آینده‌ای بهتر تلاش کند. بدین جهت سختی‌ها برایش آسان می‌شوند. اما انسان ضعیف از هر سختی‌ای که با آن مواجه می‌شود، می‌ترسد، او گمان می‌کند که سختی‌ها در این دنیا فقط او را دچار می‌کنند و روز به روز زیاد می‌شوند، پس هیچ چاره‌ای برای رهایی از آن‌ها ندارد، بنابراین توکل بر خدا و اعتماد به نفس را از دست می‌دهد و از حل مشکلات ناتوان می‌شود.

۷۹- گزینه «۱»

(سیر ممدعلی مرتضوی)

«انسان قوی در راه خود، سختی‌ای نمی‌بیند!» بر اساس متن، صحیح نیست، زیرا سختی‌های زندگی را همه می‌بینند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: همواره راه حلی برای مشکل ما وجود دارد و این از سنت‌های دنیاست! (صحیح)

گزینه «۳»: از میان مردم، کسی هست که امید را در زندگی از دست نمی‌دهد پس در خوار کردن سختی‌ها موفق می‌شود! (صحیح)

گزینه «۴»: انسان باید برای حل مشکلات، از توکل به خدا و اعتماد به نفس یاری بجوید! (صحیح)

(درک مطلب)

۸۰- گزینه «۲»

(سیر ممدعلی مرتضوی)

«اختلاف نگرش به امور، چیزی است که میان نفس کوچک و نفس بزرگ فرق می‌گذارد!»؛ مطابق جملات ابتدایی متن، صحیح است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: قدرت تفکر و تأمل

گزینه «۳»: اعتماد به نفس

گزینه «۴»: رضایت از زندگی

این موارد در متن ذکر نشده‌اند!

(درک مطلب)

۸۱- گزینه «۴»

(سیر ممدعلی مرتضوی)

صورت سؤال، مفهوم متن را می‌خواهد، کلی‌ترین و اصلی‌ترین مفهوم در گزینه «۴» آمده است:

زندگی آسان می‌شود اگر انسان بداند که او از سختی‌ها، سخت‌تر است!

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینهٔ «۱»: ما زندگی می‌کنیم تا سختی زندگی را برای یکدیگر، کمتر کنیم!
گزینهٔ «۲»: زندگی به من آموخت که صخره‌ها راه را در مقابل افراد ضعیف سد می‌کنند!

گزینهٔ «۳»: چه زیباست که از هر سختی‌ای که بر ما می‌گذرد، درس جدیدی بیاموزیم!

(درک مطلب)

۸۲- گزینهٔ «۲»

(سیر مفعولی مرفی)

«مصدره: تمکین» نادرست است؛ «یَمکن» فعل مضارع بر وزن «یُفعل» از باب افعال است، پس مصدر آن، «إمکان» می‌باشد.

(تلیل مرفی و اعراب)

۸۳- گزینهٔ «۳»

(سیر مفعولی مرفی)

«مصدر من الأفعال المزیدة» نادرست است؛ دقت کنید «بناء» بر هیچ‌یک از وزن‌های مزید نیامده است، پس مجرد محسوب می‌شود.
همچنین «موصوف و « نادرست است؛ «بناء» مضاف و «مستقبل» مضاف الیه آن است.

(تلیل مرفی و اعراب)

۸۴- گزینهٔ «۱»

(امیر حسین شکوری)

با توجه به معنی عبارت «أطعمنا: (فعل ماضی از صیغهٔ متکلم مع الغیر) غذا دادیم» صحیح است. «أطعمنا» یعنی «به ما غذا داد» که برای این عبارت مناسب نیست (ترجمه: برای نزدیک شدن به خدا، به مستمندان از آنچه می‌خوریم، غذا دادیم!).

همچنین «تَأْكُلُ» با حرکت ضمّه بر روی عین الفعل، صحیح است.

(ضبط مرکبات)

۸۵- گزینهٔ «۳»

(ولی برقی - ابهر)

با توجه به معنای عبارت (محبوب‌ترین بندگان خداوند نزد خداوند، سودمندترین آن‌ها برای بندگان اوست)، گزینهٔ «۳» مناسب‌تر و به مفهوم عبارت نزدیک‌تر است.

(مفهومی)

۸۶- گزینهٔ «۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)

در این عبارت، حروف مشبّهة بالفعل وجود ندارد، دقت کنید که «لکن» (لـ+ ضمیر کن) به معنای «برای شما» را با حروف مشبّهة بالفعل اشتباه نگیرید.
ترجمهٔ عبارت گزینهٔ «۴»: ای دانش‌آموزان! کتاب مفیدی برایتان آوردم و موضوعات جالبی در آن وجود دارد!

تشریح سایر گزینه‌ها:

در سایر گزینه‌ها، به ترتیب: «أن»، «لکن» و «لیت» از حروف مشبّهة بالفعل هستند.

(انواع هملات)

۸۷- گزینهٔ «۴»

(معمور بادریز - یاسوج)

در این سؤال، حرفی از حروف مشبّهة بالفعل خواسته شده است که می‌توانیم گاهی آن را ترجمه نکنیم.

نکات مهم درسی:

از بین حروف مشبّهة بالفعل، «إن» را می‌توانیم گاهی ترجمه نکنیم.

در گزینهٔ «۴»، بعد از حرف «ف» از حرف «ان» استفاده شده و چون بعد از آن یک اسم آمده است، پس «إن» از حروف مشبّهة بالفعل می‌باشد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: در این گزینه «كأن» از حروف مشبّهة بالفعل است ولی باید حتماً ترجمه شود.

گزینهٔ «۲»: در این گزینه چون بعد از «ان» اسم آمده است و در وسط جمله است، پس «أن» می‌باشد که باید حتماً ترجمه شود.

گزینهٔ «۳»: در این گزینه «إنما» از حروف مشبّهة بالفعل نیست و البته باید حتماً ترجمه شود.

(انواع هملات)

۸۸- گزینهٔ «۳»

(سیر مفعولی مرفی)

در این گزینه، «لا» بر سر اسم نکرهٔ «أحد» آمده و از نوع نفی جنس است. در سایر گزینه‌ها «لا» بر سر یک فعل آمده است و نمی‌تواند نفی جنس باشد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «لا» از نوع نفی مضارع است.

گزینهٔ «۲»: «لا» از نوع نفی مضارع است.

گزینهٔ «۴»: «لا» از نوع نهی است.

(انواع هملات)

۸۹- گزینهٔ «۳»

(روح‌الله گلشن)

«انفتحت» فعل ماضی از باب «إنفعال» است که سه حرف اصلی آن «ف ت ح» می‌باشد؛ بنابراین حرف «نون» در آن زائد و اضافی است. سه حرف اصلی سایر فعل‌ها به ترتیب: «ن ظ ر»، «ن ق ل» و «ن ش ر» است که «نون» از حروف اصلی آن‌ها به‌شمار می‌آید و زائد نیست.

(قواعد فعل)

۹۰- گزینهٔ «۲»

(سیره میا مؤمنی)

فعل «یَمَنع» ثلاثی مجرد است.

در سایر گزینه‌ها، افعال ثلاثی مزید و از باب «إفعال» هستند.

(قواعد فعل)



تاریخ (۳)

۹۱- گزینه «۴»

(امیر حسین کاروین)
در دوره معاصر با گسترش فعالیت علمی شرق شناسان، کتیبه‌های بیستون و طاق بستان رمزگشایی شد و اطلاعات جدیدی درباره تاریخ ایران به دست آمد. گسترش کشفیات باستان‌شناسی در ایران، منابع نوینی را پیش‌روی مورخان قرار داد و زمینه تحولی عمیق و اساسی را در تاریخ‌نگاری فراهم آورد. بنابراین در این دوره به منابع دست اول در پژوهش و تحقیق توجه می‌شد.
(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دوره معاصر، صفحه‌های ۲ تا ۶)

۹۲- گزینه «۳»

(آرش مرتضایی‌فر)
مؤلف کتاب حقایق‌الاجبار ناصری، میرزا محمدجعفر خورموجی و صاحب کتاب تاریخ بیداری ایرانیان، ناظم‌الاسلام کرمانی است.
بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: نادرست (محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه در یکی از آثارش به نام صدراالتواریخ، امیرکبیر را ستایش می‌کند). - درست
گزینه «۲»: درست - درست
گزینه «۳»: درست - نادرست (میرزا فتحعلی‌خان آخوندزاده در رساله ایراد شیوه تاریخ‌نویسی رضا قلی‌خان هدایت را مورد انتقاد قرار داد).
گزینه «۴»: نادرست (خاوری شیرازی مورخ مشهور زمان فتحعلی‌شاه و نویسنده تاریخ ذوالقرنین است). - نادرست (محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه به ریاست دارالترجمه همایونی برگزیده شد).
(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دوره معاصر، صفحه‌های ۳ تا ۶)

۹۳- گزینه «۴»

(کنکور سراسری نوبت اول ۱۴۰۲)
تشریح عبارت‌های نادرست:
(ب): هنر ایرانی با هنر و معماری کشورهای همسایه تلفیق شد و رونق گرفت.
(ج): جنگ‌های داخلی موجب جلوگیری از رشد و ترقی هنر و معماری شد و نه باعث فروپاشی آن.
(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانه دوره معاصر، صفحه‌های ۲۳ و ۲۴)

۹۴- گزینه «۳»

(پواد میربلوکی)
مناسبات سیاسی و اقتصادی ایران با جهان خارج در دوران افشاریه و زندیه، به علت درگیری‌های داخلی و بی‌ثباتی سیاسی نسبت به عصر صفوی کاهش یافت.
(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانه دوره معاصر، صفحه ۲۱)

۹۵- گزینه «۴»

(پواد میربلوکی)
مکتب نقاشی شیراز در دوره مغولان شکل گرفت و در زمان زندیه به اوج رونق و زیبایی رسید.
(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانه دوره معاصر، صفحه ۲۴)

تاریخ (۱)

۹۶- گزینه «۲»

(پواد میربلوکی)
در فاصله ۱۲۰۰۰ تا ۶۵۰۰ سال پیش (عصر نوسنگی)، کشت غلات و رام کردن جانوران در بیشتر نقاط جهان رواج یافت.
(تاریخ (۱)، جهان در عصر باستان، صفحه ۳۳)

۹۷- گزینه «۲»

(امیر حسین کاروین)
اساس زندگی در مصر باستان بر کشاورزی استوار بود. بیشتر جمعیت مردم را کشاورزان تشکیل می‌دادند. آنان در کشتزارهای اطراف نیل که متعلق به فرعون‌ها، کاهنان و مقام‌های حکومتی بود. گندم، جو، خرما و میوه‌های دیگر را کشت می‌کردند.

(تاریخ (۱)، جهان در عصر باستان، صفحه ۴۰)

۹۸- گزینه «۲»

(کیانا یوسف‌زاده)
گسترش جمهوری رم ← ۵۰۹ ق.م تا ۲۶۴ ق.م
تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: جنگ‌های پلوپونزی ← ۴۳۱ ق.م تا ۴۰۴ ق.م

گزینه «۳»: جنگ‌های ایران و یونان ← ۴۹۴ ق.م تا ۴۷۹ ق.م

گزینه «۴»: اولین دوره بازی‌های المپیک ← ۷۷۶ ق.م

(تاریخ (۱)، جهان در عصر باستان، صفحه‌های ۵۲ تا ۵۶)

۹۹- گزینه «۳»

(پواد میربلوکی)
برجسته‌ترین دستاورد هنری تمدن روم، در معماری و مجسمه‌سازی تبلور یافت.
(تاریخ (۱)، جهان در عصر باستان، صفحه ۵۹)

۱۰۰- گزینه «۲»

(کنکور سراسری نوبت دوم ۱۴۰۲)
بررسی موارد:

(الف) تشکیل سلسله موریای پس از مرگ اسکندر بوده است. یعنی در سال‌های پس از ۳۲۳ ق.م. این حکومت بنیان گذاشته شد.

(ب) تسلط فیلیپ دوم بر یونان در سال‌های مربوط به جنگ‌های پلوپونزی و قبل از حکومت اسکندر است. (۴۳۱ تا ۴۰۴ ق.م).

بنابراین «ب» بر «الف» مقدم است. (رد گزینه‌های «۳» و «۴»)

(ج) آریایی‌ها در حدود ۱۵۰۰ قبل از میلاد از سمت شمال غرب وارد هند شدند.

(د) در حدود ۲۰۰۰ ق.م. طایفه‌های بیابانگردی از دشت‌های اروپای شرقی وارد یونان شدند.

پس نتیجه می‌گیریم «د» بر «ج» مقدم است. (رد گزینه «۱»)

(تاریخ (۱)، جهان در عصر باستان، صفحه‌های ۴۳، ۴۵، ۵۱ و ۵۲)

تاریخ (۲)

۱۰۱- گزینه «۳»

(امیر حسین کاروین)
رسول خدا (ص) زمین‌هایی را که صاحب نداشت، به مهاجران داد که برای خود خانه بسازند و این غیر از زمین‌هایی بود که انصار به مهاجران بخشیده بودند. برخی از مهاجران بی‌بضاعت نیز در جوار مسجد اقامت گزیدند که به اهل صفه مشهور شدند. اینان به دلیل هم‌جواری با محل سکونت پیامبر، ارتباط نزدیک‌تری با آن حضرت برقرار کردند.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه ۳۴)

۱۰۲- گزینه «۲»

(پواد میربلوکی)
اگر چه رسول خدا (ص) با یهودیان مدینه پیمان صلح و اتحاد بسته بود، اما برخی از سران یهودی، به خصوص رؤسای سه قبیله بزرگ آنان، هرگاه فرصتی پیش می‌آمد، علیه حکومت اسلامی کارشکنی و با دشمنان همکاری می‌کردند.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه ۳۸)

۱۰۳- گزینهٔ ۲»

یکی از رویدادهای مهم تاریخ اسلام در دوران خلفای نخستین، لشکرکشی اعراب مسلمان به سرزمین‌های مجاور شبه‌جزیرهٔ عربستان بود. در نتیجهٔ این لشکرکشی‌ها که از اواخر خلافت ابوبکر آغاز شد و تا پایان خلافت عثمان بدون وقفه ادامه یافت، سرزمین‌های ایران، شام و مصر فتح شد.

نادرستی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: در دوران خلیفهٔ سوم، بذل و بخشش‌های فراوانی از بیت‌المال به افراد مختلف، به خصوص خاندان بنی‌امیه صورت گرفت. وی محدودیت‌هایی را که عمر برای ثروت‌اندوزی سران قریش ایجاد کرده بود، نادیده گرفت؛ از این‌رو، آنان اراضی و مزارع وسیعی را در ایران، شام و مصر تصرف کردند و بر ثروت خود افزودند.

گزینهٔ «۳»: خلیفهٔ اول در واپسین لحظات زندگی، طی وصیت‌نامهٔ مکتوبی، عمر بن خطاب را به جانشینی خود معرفی کرد.

گزینهٔ «۴»: خلیفهٔ سوم شماری از افراد خاندان اموی را بر سر کار آورد و دست آنان را در ادارهٔ امور خلافت بازگذاشت. برخی از صحابهٔ پیامبر نسبت به رفتار منصوبان خلیفه انتقاد و اعتراض کردند. خلیفه نیز تحت تأثیر اطرافیان و مشاوران خود انتقادکنندگان را تبعید نمود.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه‌های ۴۴، ۴۵، ۴۷ و ۴۸)

۱۰۴- گزینهٔ ۴»

تسلط رومیان بر مصر، موقعیت مسلمانان را در شام و حتی در شبه‌جزیرهٔ عربستان به خطر می‌انداخت. از این‌رو، مسلمانان بعد از فتح شام، درصد برآمدند مصر را نیز تسخیر کنند.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحهٔ ۵)

۱۰۵- گزینهٔ ۴»

الف) در جریان محاصرهٔ شهر بیت‌المقدس (ایلینا) در شام، ساکنان مسیحی این شهر اعلام کردند که فقط در حضور خلیفه، قرارداد صلح و تسلیم شهر را امضا می‌کنند. مسلمانان با بردباری این شرط را پذیرفتند و بدین منظور خلیفهٔ دوم از مدینه به بیت‌المقدس رفت.

ب) ساکنان بومی مسیحی شام در برخی از مسائل مذهبی با کلیسای قسطنطنیه اختلافات اساسی داشتند.

ج) رفتار مسالمت‌آمیز و مداراجویانهٔ پیروان اسلام با مسیحیان به هنگام فتح شام و امید به آزادی مذهبی زیر سایهٔ حکومت مسلمانان، تأثیر به‌سزایی در متحد نشدن مصریان با رومیان داشت.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه‌های ۳۹ تا ۵۱)

جغرافیا (۳)

۱۰۶- گزینهٔ ۱»

هستهٔ اولیهٔ شهر رشت، بازار و مکان تجارت محصولات کشاورزی و ابریشم با نواحی پیرامون است؛ بنابراین حوزهٔ نفوذ کم‌وسعتی دارد و فقط چند روستای پیرامون از محصولات آن استفاده می‌کنند.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه‌های ۲، ۷ و ۸)

۱۰۷- گزینهٔ ۳»

مهم‌ترین ملاک تفاوت شهر و روستا فعالیت‌های اقتصادی آن‌هاست. متداول‌ترین ملاک تشخیص شهر و روستا ملاک جمعیتی است. این ملاک در نواحی مختلف دنیا متفاوت است.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحهٔ ۶)

۱۰۸- گزینهٔ ۲»

رد سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: سرعت گسترش شهرنشینی در آسیا و آفریقا بالاتر از سایر نواحی جهان است.

گزینهٔ «۳»: بخش عمدهٔ رشد شهرنشینی در آسیا و آفریقا به علت صنعتی شدن و توسعهٔ کارخانه‌هاست.

گزینهٔ «۴»: امروزه آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا با رشد شهرهای میلیونی و پرجمعیت روبرو شده‌اند.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه‌های ۱۱ و ۱۲)

۱۰۹- گزینهٔ ۲»

برخی از شهرهای با بیش از ده میلیون نفر جمعیت در جهان به سبب نقش مهم آن‌ها در اقتصاد و تجارت جهانی، حوزهٔ نفوذ بسیار وسیعی در سطح جهان دارند و به آن‌ها جهان‌شهر گفته می‌شود.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحهٔ ۱۳)

۱۱۰- گزینهٔ ۳»

با بروز تحولات صنعتی و ورود کشورها به عصر نوسازی، نفوذ شهرها و شهرگرایی در روستاها افزایش یافت. منظور از شهرگرایی، روندی اقتصادی - اجتماعی است که طی آن شیوه‌های زندگی، رفتار و عملکردها، ارزش‌ها و مظاهر شهری در روستاها و بین روستانشینان رواج می‌یابد.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

جغرافیای ایران

۱۱۱- گزینهٔ ۲»

گسترده‌گی ایران در عرض‌های جغرافیایی از ویژگی‌های موقعیت مطلق ایران است که به تنوع آب و هوایی در آن منجر شده است؛ اما گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴» همگی با موقعیت نسبی ایران ارتباط دارند.

(جغرافیای ایران، جغرافیای طبیعی ایران، صفحه‌های ۱۳ و ۱۶)

۱۱۲- گزینهٔ ۲»

دریای عمان، به‌واسطهٔ مجاورت با آب‌های آزاد (اقیانوس هند) از نظر اقتصادی اهمیت بسیاری برای ایران دارد. تنگهٔ هرمز، آبراههٔ هلالی شکلی است که آب‌های آزاد اقیانوس هند و دریای عمان را به خلیج فارس متصل می‌کند.

(جغرافیای ایران، جغرافیای طبیعی ایران، صفحه‌های ۱۷ تا ۱۹)

۱۱۳- گزینهٔ ۱»

تصویر صورت سؤال مربوط به ناهمواری‌های مریخی است که در جنوب استان سیستان و بلوچستان قرار دارد. در فاصلهٔ این ناهمواری‌ها تا دریای عمان چندین گل‌فشان وجود دارد.

(جغرافیای ایران، جغرافیای طبیعی ایران، صفحهٔ ۲۹)



۱۱۴- گزینه ۳»

(زهرآکتیبه)

توفان‌های گرد و غبار، نوسانات جریان آب رودها به علت تغییرات اقلیمی و ریزش‌های جوی شدید، همگی از عوامل طبیعی تغییردهنده زاگرس هستند. حرکات دریا از جمله جزر و مد، توفان‌های دریایی، سونامی، جریان‌های دریایی و نوسانات عمومی آب دریاها از عوامل طبیعی تغییردهنده جلگه‌ها هستند.

(مغرافیای ایران، بیغرافیای طبیعی ایران، صفحه ۲۷)

۱۱۵- گزینه ۴»

(زهرآکتیبه)

منطقه کوهستانی تالش، منطقه آذربایجان را از کناره‌های دریای خزر جدا کرده است.

دشت کاکان در فارس، در هنگام چین‌خوردگی‌ها و در حد فاصل تاقدیس‌ها و یا در میان ناودیس‌ها ایجاد شده است.

گنبد نمکی یکی از زیباترین و فعال‌ترین پدیده‌های رشته‌کوه زاگرس است. (مغرافیای ایران، بیغرافیای طبیعی ایران، صفحه‌های ۲۳ تا ۲۶ و ۳۰)

جغرافیا (۲)

۱۱۶- گزینه ۳»

(کنکور سراسری ۹۹)

در هوازدگی فیزیکی، سنگ‌ها به قطعات کوچک‌تر خرد می‌شوند اما در ترکیب شیمیایی آن‌ها تغییری به وجود نمی‌آید. در نواحی گرم‌وخشک به علت اختلاف بالای دما در شب و روز، خردشدن سنگ‌ها به تشکیل و تکامل خاک در آن مناطق می‌انجامد.

در هوازدگی شیمیایی، ساختمان کانی‌ها و ترکیب شیمیایی سنگ‌ها نیز تغییر می‌کند. اکسیژن و رطوبت از عوامل مهم هوازدگی شیمیایی‌اند. مثال‌های این هوازدگی را در عبارت‌های (ج) و (د) صورت سؤال می‌توان مشاهده کرد.

(مغرافیای ۲)، نواحی طبیعی، صفحه ۴۱)

۱۱۷- گزینه ۳»

(زهرآکتیبه)

در منطقه جنب حاره‌ای، توده‌های هوا در حوالی مدارهای رأس‌السرطان و رأس‌الجدی فرومی‌نشینند و منطقه پرفشار را به وجود می‌آورند. در نتیجه کمربند بیابانی کره زمین در اطراف این دو مدار در سه قاره گسترده شده است.

(مغرافیای ۲)، نواحی طبیعی، صفحه‌های ۲۶ تا ۳۴)

۱۱۸- گزینه ۲»

(زهرآکتیبه)

الف) با توجه به این که منحنی میزان یک نقطه مرتفع دارد، پدیده کوه یا تپه را نشان می‌دهد.

ب) نواحی مرتفع و کوهستانی با توجه به شکل و جهتی که دارند، مانع آن می‌شوند که توده هوای مرطوب به‌طور افقی حرکت کند. در نتیجه، توده هوا در امتداد دامنه کوه به طرف قله بالا می‌رود و هنگام صعود، دمای آن کاهش می‌یابد و دیگر نمی‌تواند رطوبت را در خود نگه دارد و بنابراین موجب بارش می‌شود.

ج) به‌ازای هر ۱۰۰۰ متر ارتفاع، دما ۶ درجه سانتی‌گراد کاهش می‌یابد. پایین‌ترین نقطه منحنی، ۵۵۰۰ متر و بالاترین نقطه منحنی ۷۰۰۰ متر ارتفاع دارد، بنابراین دما ۹ درجه کاهش می‌یابد.

$$۱۵۰۰ = ۷۰۰۰ - ۵۵۰۰ = \text{اختلاف ارتفاع}$$

$$-۲۲ = ۱۳ - ۹ = \text{دمای بالاترین نقطه}$$

(مغرافیای ۲)، نواحی طبیعی، صفحه‌های ۲۳، ۲۷ و ۵۱)

۱۱۹- گزینه ۳»

(زهرآکتیبه)

غار علی‌صدر، از اشکال فرسایشی کارستی است. به‌طور کلی، کارست پدیده خوردگی و انحلال سنگ‌های آهکی است. آب‌هایی که با دی‌اکسیدکربن و هوا ترکیب می‌شوند، اسیدکربنیک تولید می‌کنند و با حل کردن آهک و گچ در خود می‌توانند موجب خوردگی و انحلال سنگ‌ها شوند.

(مغرافیای ۲)، نواحی طبیعی، صفحه‌های ۴۱ و ۴۶)

۱۲۰- گزینه ۲»

(زهرآکتیبه)

اشکال تراکمی الف) ← تپه‌های ماسه‌ای تلماسه (ه) / جزایر مرجانی (و)
اشکال کاوشی ب) ← دشت ریگی، رگ (ج) / کلویت، یاردانگ (د)
(مغرافیای ۲)، نواحی طبیعی، صفحه‌های ۴۷ تا ۵۰)

فلسفه دوازدهم

۱۲۱- گزینه ۳»

(مفید سوریان)

ماهیت و ذات، ایجاد شدنی نیست و همیشه ثابت است. بنابراین اگر وجود و ماهیت مغایرت نداشتند، وجود هم امری ذاتی می‌شد و دیگر نمی‌توانست از ماهیت جدا شود. بنابراین حالتی برای ماهیت قابل تصور نبود که وجود نداشته باشد تا بتوان آن را برای اولین بار به وجود آورد. بنابراین مغایرت وجود و ماهیت سبب می‌شود که بتوان یک ماهیت را برای اولین بار به وجود آورد.

بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: «با مغایرت وجود و ماهیت هم از نظر ابن سینا مصادیق وجود و ماهیت در عالم خارج یکسان‌اند.

گزینه ۲: «درست است که به هر چیزی که اشاره شود، به نحوی وجود دارد ولی این بدان معنا نیست که نتوان به ماهیت یک موجود اشاره کرد. مثلاً وقتی به یک سیب از آن جهت که سیب است اشاره می‌کنیم و می‌گوییم این (سیب) میوه خوبی است، به ماهیت آن (که اکنون موجود نیز هست) اشاره کرده‌ایم.

گزینه ۴: «با مغایرت وجود و ماهیت، حمل وجود بر ماهیت‌ها و اشیاء مختلف، نیازمند دلیل می‌شود، نه اینکه ضروری نباشد. اگر علت یک موجود فراهم باشد، وجودش ضروری می‌شود ولی در عین حال، اثبات این وجود نیازمند دلیل است.

(فلسفه دوازدهم، هستی و پیوستی، صفحه‌های ۲ تا ۴)

۱۲۲- گزینه ۲»

(سبا پیغرزازه صابری)

الف) بین افراد معمول است که می‌گویند: «انسان از چیزی که نمی‌شناسد می‌ترسد» این عدم شناخت به عدم وجود آگاهی از ماهیت آن اشیاء مربوط می‌شود؛ مثلاً یک کودک ممکن است که به خاطر نداشتن آگاهی از چیستی یکی از وسایل خانه که شاید در تاریکی شبیه به موجودی ترسناک باشد، از آن بترسد، اما همین که به شناخت دقیق‌تری از ماهیت آن نائل شد، متوجه می‌شود که چیستی این شیء با آن چه او می‌پنداشته متفاوت است و در نتیجه ترسش از بین می‌رود. این موضوع به قدم دوم از شناخت مغایرت وجود و ماهیت مربوط می‌شود.

ب) در عبارت دوم با بررسی عناصر شیمی متوجه دو جنبه مختلف از اشیاء خارجی می‌شویم و در جهت شناخت ماهیت آن تلاش می‌کنیم همین مورد نشان از قدم دوم مغایرت وجود و ماهیت دارد.

(فلسفه دوازدهم، هستی و پیوستی، صفحه‌های ۲ تا ۴)

۱۲۳- گزینه ۳»

(موسی سپاهی - سروان)

زمانی که محمول همان حقیقت و ذات موضوع، یا یکی از اجزاء مفهومی تشکیل دهنده تعریف آن باشد، حمل آن بر موضوع‌اش بی‌نیاز از دلیل خواهد بود. مثلاً حمل «ناطق» بر انسان بی‌نیاز از دلیل است چون انسان همان «حیوان ناطق» است و در نتیجه ناطق‌بودن از اجزای مفهومی آن است. همچنین باید توجه کرد که در این‌گونه قضایا، محمول، چیستی موضوع را تشکیل می‌دهد و از یکدیگر جدا نمی‌شوند؛ نه هستی‌اش را!

(فلسفه دوازدهم، هستی و پیوستی، صفحه ۵)



۱۲۴- گزینه «۴»

(مهمم رضایی رفا)

اگر مفهوم وجود، جزء مفهوم ماهیت یا عین آن بود، به محض تصور یک ماهیت، آن شیء در مقابل ما موجود می‌شد و اثبات آن نیاز به دلیل نداشت. در این صورت، حمل وجود بر ماهیت، ضروری می‌شد، در حالی که چنین نیست و وجود و ماهیت با یکدیگر مغایرت دارند و حمل وجود بر ماهیت، ضروری نیست و نیاز به دلیل دارد.

(فلسفه دوازدهم، هستی و پیوستی، صفحه‌های ۵ و ۶)

۱۲۵- گزینه «۴»

(علیرضا نصیری)

مغایرت وجود و ماهیت بی‌شک یکی از اصلی‌ترین و مبنایی‌ترین اصول فلسفه اسلامی است. این اصل از آن جایی که مبنای سایر کاوش‌های فلسفی در عالم اسلامی قرار گرفته است اهمیت بی‌ظنیری می‌یابد و از آن نتایج هستی‌شناسانه (مانند اصالت وجود که در درس ۱۱ با آن آشنا می‌شوید) و الهیاتی (در درس ۶ با آن آشنا می‌شوید) گرفته می‌شود.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: اصل مغایرت ماهیت و وجود ارسطویی نیست و اساساً چنین مسئله‌ای برای ارسطو مطرح نبوده است و این اصل از دستاوردها و ابداعات فلسفه اسلامی است.

گزینه «۲»: این اصل مختص فلسفه اسلامی نیست و در اروپا نیز به واسطهٔ توماس آکوئیناس رواج می‌یابد و مباحثات بی‌شماری را بر می‌انگیزد.

گزینه «۳»: برهان وجوب و امکان بر پایهٔ این اصل است نه این که این اصل بر پایهٔ برهان وجوب و امکان باشد.

(فلسفه دوازدهم، هستی و پیوستی، صفحه‌های ۶ و ۷)

۱۲۶- گزینه «۳»

(موسی سپاهی - سروان)

یکی بودن ارتفاع و میانه در مثلث حالت امکانی دارد و از این جهت به بارکش بودن اسب شباهت دارد؛ زیرا اسب می‌تواند بارکش باشد یا نباشد. محمول و موضوع سایر گزینه‌ها حالت وجوبی دارند و با قضیهٔ صورت سؤال متفاوت‌اند.

(فلسفه دوازدهم، همان ممکنات، صفحه‌های ۹ و ۱۰)

۱۲۷- گزینه «۴»

(مهمم رضایی رفا)

«گیاه» همان «جسم نامی» است. پس حمل جسم نامی بر گیاه، وجوبی است. وجود برای جن و انسان ضروری نیست زیرا آن‌ها ماهیاتی ممکن‌الوجود هستند؛ پس حمل وجود بر جن و انسان، امکانی است.

مربع شکلی دارای چهار ضلع مساوی است، پس باید متساوی‌الاضلاع باشد و حمل شکل متساوی‌الاضلاع بر مربع وجوبی است.

دایره نمی‌تواند دارای ضلع باشد، پس حمل وجود بر دایرهٔ چهارضلعی، امتناعی است.

(فلسفه دوازدهم، همان ممکنات، صفحه‌های ۹ و ۱۰)

۱۲۸- گزینه «۲»

(علیرضا نصیری)

قضیهٔ «مثلث دارای سه ضلع است.» یک قضیهٔ وجوبی است و سه‌ضلعی بودن مثلث از ذاتیات مثلث است. اما «ممکنات موجود هستند.» یک قضیهٔ امکانی است و ممکنات می‌توانند موجود باشند و می‌توانند نباشند. کسی که قضیهٔ دوم را مانند قضیهٔ اول بدانند در واقع معتقد شده که موجود بودن از ذاتیات ممکنات است. زمانی که چنین چیزی را پذیرفتیم، در نتیجه هرگز هیچ ممکن‌الوجودی ناموجود نخواهد بود چون وجود از ذاتیات آن می‌شود و سلب ذاتیات از شیء محال است. بنابراین چنین کسی نمی‌تواند با موضوعی ممکن و محمول وجود قضیه‌ای سلبی بسازد که صادق باشد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: کسی که قائل به چنین نظری باشد، در واقع در تشخیص مصادیق قضایای امکانی و وجوبی به خطا رفته است و نمی‌توان گفت که این فرد اساساً تفاوت میان قضایای سه‌گانهٔ وجوبی و امکانی و امتناعی را منکر شده است.

گزینه «۳»: از میان برداشته شدن تفاوت ماهیت حاصل یکسان بودن وجود و ماهیت است نه جزء بودن وجود برای ماهیت.

گزینه «۴»: در چنین حالتی هر شیء‌ای واجب بالذات می‌شد نه واجب بالغیر. (فلسفه دوازدهم، همان ممکنات، صفحه‌های ۹ و ۱۰)

۱۲۹- گزینه «۱»

(مهمم آقا صالح)

حمل انسان بر حیوان یعنی بگوییم: «حیوان انسان است» که حالتی امکانی دارد؛ هم چنین حمل ممکن‌الوجود بر موجودات یعنی بگوییم: «موجودات ممکن‌الوجود هستند.» که این نیز امکانی است - چرا که ممکن است باشند یا نباشند. (چون موجودات امکان دارد که ممکن‌الوجود یا واجب‌الوجود بالذات باشند).

رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: حالت وجوب در حالت حمل وجود بر واجب‌الوجود نیز محقق می‌شود. گزینه «۳»: ممکن است نیست‌ها (مانند اژدهای هفت‌سر) ممکن‌الوجود باشند و رابطه‌شان با وجود امکانی باشد، ولی رابطهٔ مثلث و چهارضلعی رابطهٔ امتناعی است.

گزینه «۴»: ممکن‌الوجودها حتی پس از اینکه به وجود می‌آیند ذاتشان هنوز ممکن‌الوجود است.

(فلسفه دوازدهم، همان ممکنات، صفحه‌های ۹ تا ۱۲)

۱۳۰- گزینه «۳»

(پرگل رهیمی)

ماهیتی که ذاتاً می‌تواند باشد یا نباشد همان ممکن‌الوجود بالذات است. این ماهیت در ذات خود به علتی برای به وجود آمدن نیاز دارد. پس علتی که بتواند آن را موجود کند، هنوز به وجود نیامده است.

بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: این توضیح مربوط به ممتنع‌الوجود بالذات است نه ممکن‌الوجود بالذات.

گزینه «۲»: این عبارت نیز مربوط به امتناع ذاتی است.

گزینه «۴»: اگر ممکن‌الوجود بالذاتی هنوز وجود نیافته باشد نمی‌تواند به دلیل نبود واجب‌الوجود بالذات باشد (زیرا علل ناقصه‌ای نیز در به وجود آمدن ماهیت مؤثر هستند).

(فلسفه دوازدهم، همان ممکنات، صفحه‌های ۱۰ تا ۱۲)



منطق

۱۳۱- گزینه ۳»

(علیرضا نصیری)

مشترک لفظی به دو لفظ مختلف گفته می‌شود که شکل نوشتاری و گفتاریشان کاملاً یکسان باشد اما معانی مختلف داشته باشند.

«شیرین» می‌تواند هم به معنی مزه شیرین باشد و هم به معنی نام یک فرد خاص. «خسرو» نیز چنین است؛ خسرو هم می‌تواند نام یک فرد باشد و به پادشاه قدیم ایران نیز گفته می‌شده است. «نظامی» نیز هم اسم خاص یک شاعر است و هم به فردی که در ارتش کار بکند اطلاق می‌شود. از آنجایی که هر سه مورد مطرح شده در گزینه «۳» مشترک لفظی هستند بنابراین همین گزینه جواب تست خواهد بود.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «دوش» مشترک لفظی است و هم می‌تواند به معنی «دیشب» باشد و هم قسمتی از بدن انسان. اما سایر واژه‌های این گزینه مشترک لفظی نیستند. گزینه «۲»: در اینجا «خوار» و «گل» مشترک لفظی نیستند چون در اشتراک لفظ هم شکل نوشتاری و هم گفتاری لفظ باید یکسان باشد. «خوار» با آن که شکل گفتاری‌اش با «خار» یکسان است اما شکل نوشتاری آن یکسان نیست. «گل» نیز از آنجایی که شکل گفتاری‌اش با «گل» متفاوت است پس مشترک لفظی محسوب نمی‌شود. اما «نرگس» چون هم می‌تواند نام یک فرد خاص باشد و هم نام نوع خاصی گل پس مشترک لفظی است.

گزینه «۴»: در این گزینه هیچ لفظی اشتراک لفظ ندارد.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۱۳۲- گزینه ۴»

(فیروز نژادنیف - تبریز)

به گفتهٔ مولانا، «اشتراک لفظ دائم رهن است» و بنابراین ما باید به دنبال گزینه‌ای بگردیم که در آن امکان رخ دادن مغالطهٔ اشتراک لفظ باشد. در گزینه «۴» دقیقاً همین‌طور است چون «او چند داستان از این نویسنده جدید را خوب و بی اشکال خواند.» می‌تواند باعث رخ دادن چنین مغالطه‌ای شود و دو معنی داشته باشد: به زیبایی قرائت کرد یا بدون اشکال ادبی. باقی گزینه‌ها با این که در بردارندهٔ الفاظ مشترک لفظی هستند، اما به خاطر وجود سایر کلمات جمله، احتمال وقوع این مغالطه از بین رفته است.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۱۳۳- گزینه ۳»

(فیروز نژادنیف - تبریز)

خودکارم تمام شد ← تضمینی (جوهر خودکار)

او مثل شیر است ← مطابقی: دقت کنید که اگر می‌گفت: «او شیر است» در این صورت لفظ شیر دلالت التزامی داشت.

خودروی ما در اتوبان جریمه شد. ← خودرو جریمه نشده است، بلکه به این معناست که راننده، که لازمهٔ آن است، جریمه شده است.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۱۳۴- گزینه ۴»

(عمیر سوریان)

«سیر بودن» در کلام نفر اول کنایه از به اندازهٔ کافی مال داشتن و میل نداشتن به مال اندوزی بیشتر است. یعنی دلالت التزامی دارد. اما نفر دوم، «سیر بودن» را به معنای مطابقی در نظر گرفته است. پس نفر دوم مرتکب مغالطهٔ توسل به معنای ظاهری شده است.

بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: مقصود نفر اول از «دل دادن و قلوب گرفتن» معنای مطابقی است ولی نفر دوم آن را به دلالت التزامی فهمیده است. این مغالطهٔ توسل به معنای التزامی است، نه ظاهری. زیرا دلالت مطابقی را به اشتباه به جای دو دلالت دیگر نفهمیده است بلکه دلالت التزامی را به اشتباه به جای دلالت مطابقی فهمیده است.

گزینه «۲»: «نمی‌توانید» طبق تمرین کتاب درسی، مشترک لفظی بین چند معنا است: ۱- اجازه ندارد. ۲- توانایی ندارد. بنابراین مغالطهٔ اشتراک لفظ رخ داده است.

گزینه «۳»: «شانه به سر» نام یک پرنده است ولی نفر دوم از این لفظ، معنای شانه‌ای که روی سر است را فهمیده است. این مغالطه می‌تواند «اشتراک لفظ» باشد ولی چون دلالت غیرمطابقی ندارد، قطعاً توسل به معنای ظاهری نیست.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۱۳۵- گزینه ۱»

(مهمرب رضایی‌بغا)

کلمهٔ «خوار» به معنای پست و ذلیل، با کلمهٔ «خار» که همراه با بعضی گل و بوته‌هاست در این ابیات از نظر املائی نادرست نوشته شده است. پس می‌تواند منجر به مغالطهٔ شیوهٔ نگارش کلمات شود. املا صحیح ابیات به این صورت است: «هر که ما را یار شد ایزد مر او را یار باد/ هر که ما را خوار کرد از عمر برخوردار باد/ هر کسی در راه ما خاری نهد از دشمنی است/ هر گلی که باغ وصلش بشکند بی خار باد»

(منطق، لفظ و معنا، صفحهٔ ۱۴)

۱۳۶- گزینه ۲»

(سید آفرین راهنمایی)

گزینهٔ دوم را با جابه‌جا کردن یک ویرگول، می‌توان به دو شکل خواند: «آنکه اول نوش دارو می‌نمود بر لب ما، زهر نیش مار شد.» و «آنکه اول نوش دارو می‌نمود، بر لب ما زهر نیش مار شد.» و به همین دلیل می‌تواند دارای ابهام ناشی از عدم رعایت علائم سجاوندی باشد.

بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینه‌های «۱» و «۳»: ابهام ناشی از علائم سجاوندی ندارند.

گزینه «۴»: ابهام موجود در این گزینه به خاطر وجود حرف «یا» است که مشترک لفظی می‌باشد و علائم سجاوندی نقشی در ایجاد این ابهام ندارند.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۳ تا ۱۷)

۱۳۷- گزینه ۲»

(مهمرب رضایی‌بغا)

در عبارت «مراقب پیرزن، لباسش را مرتب کرد»، مشخص نیست که مرجع ضمیر در «لباسش»، پیرزن است یا مراقب او. بنابراین ابهام در مرجع ضمیر موجب دوپهلوی شدن فهم جمله شده است. در گزینه‌های ۱ و ۳ امکان مغالطهٔ شیوهٔ نگارشی کلمات وجود دارد. زیرا ویرگول‌گذاری متفاوت، می‌تواند معنای متفاوتی از جمله را ایجاد کند. در گزینهٔ ۴ لفظ «گل» دارای اشتراک لفظ است.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۳ تا ۱۷)



فلسفه یازدهم

۱۳۸- گزینه «۲» (علیرضا نصیری)

در استدلال اول مراد گوینده این است که علی همچون شیر بیابان شجاع است و بنابراین این «شیر» را به دلالت التزامی به کار برده اما سپس معنای مطابقی آن را در نظر گرفته و گفته که پس باید یال بلندی نیز داشته باشد و بنابراین مغالطهٔ توسل به معنای ظاهری صورت گرفته است.

در استدلال دوم مراد گوینده از به کار بردن «شیر»، شیر جنگل بوده اما سپس معنی مشترک لفظی آن یعنی شیر آب را در نظر گرفته و بیان نموده که پس جنس علی باید فلزی باشد و در نتیجه مغالطهٔ اشتراک لفظ به وقوع پیوسته است.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۳ تا ۱۵)

۱۳۹- گزینه «۳» (مهمرب آقاصالح)

کلمهٔ «و» در این جا مشخص نیست که به معنای عطف است (چهارمین و آخرین فصل سریال دو فصل جدا هستند) یا به معنای بیان (چهارمین فصل سریال که همان آخرین فصل سریال است).

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۱۴۰- گزینه «۳» (سپاسغفرزاده صابری)

جمله گزینه «۳» می‌تواند ما را دچار مغالطهٔ ابهام در عبارات یا همان ابهام در مرجع ضمیر بکند.

معنی اول: مسلمانان و یهودیان هر دو گوشت خوک را حلال نمی‌دانند.

معنی دوم: مسلمان برعکس یا برخلاف یهودیان گوشت خوک را حلال نمی‌دانند.

هرگاه در عبارتی کلماتی همچون (مثل، مانند، چون و ...) همراه با فعل منفی بیاید امکان مغالطهٔ ابهام در عبارات وجود دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «قیمت نداشتن» می‌تواند به دو معنی «بسیار گران بودن» و «بی‌ارزش بودن» به کار برود و در نتیجه مغالطهٔ اشتراک لفظ خواهد داشت.

گزینه «۲»: مغالطهٔ اشتراک لفظ: در حرف یا که هم می‌تواند نشان‌دهندهٔ اتصال (دانشجویان یا همان جوانان) و یا نشان‌دهندهٔ انفصال (دانشجویان و جوانان) باشد.

گزینه «۴»: مغالطهٔ اشتراک لفظ در حرف با: جنگ‌های متمادی همراه با خشونت یا جنگ‌های متمادی در مقابل و بر علیه خشونت

(منطق، لفظ و معنا، ترکیبی)

۱۴۱- گزینه «۳»

(فیروز نژادنیف - تبریز)

همه گزینه‌ها دارای ریشه‌های فلسفی هستند با این تفاوت که گزینه «۳» دربارهٔ معرفت‌شناسی و بقیهٔ گزینه‌ها در مورد وجودشناسی می‌باشند.

(فلسفهٔ یازدهم، ریشه و شافه‌های فلسفه، صفحه ۱۳)

۱۴۲- گزینه «۲»

(فیروز نژادنیف - تبریز)

از آنجا که معرفت به وجود، فرع بر امکان شناخت آن است، فیلسوفان می‌خواهند توانایی انسان در شناخت هستی را هم بررسی کنند و بدانند که بشر چگونه و با چه ابزاری می‌تواند به شناخت هستی بپردازد.

(فلسفهٔ یازدهم، ریشه و شافه‌های فلسفه، صفحه ۱۳)

۱۴۳- گزینه «۱»

(همید سوریان)

روش فلسفه همیشه روش استدلال عقلی و قیاسی است و موضوع آن هم همیشه وجودشناسی و معرفت‌شناسی است. پس تفاوت ریشه و شاخهٔ فلسفه در اصل این دو مورد (موضوع و روش) نیست بلکه در حیطهٔ بررسی موضوع فلسفه است (رد گزینه «۴»). اگر وجودشناسی و معرفت‌شناسی به نحو عام بررسی شوند، ریشهٔ فلسفه شکل می‌گیرد و اگر قواعد عام ریشهٔ فلسفه به محدوده‌های خاص منتقل شوند، شاخه‌ها پدید خواهند آمد. مثلاً فلسفهٔ فیزیک، حاصل انتقال قوانین عام وجودشناسی و معرفت‌شناسی به محدودهٔ دانش فیزیک است. پس می‌توان گفت مباحث شاخه‌ها عمومیتی که در مباحث ریشهٔ فلسفه دیده می‌شود را ندارند.

بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینه «۲»: فلسفه مسائل علوم غیربنیادی را مطالعه نمی‌کند. آن مسائلی که در شاخه‌های فلسفه بحث می‌شوند، مسائل بنیادی در حیطهٔ علوم هستند، نه مسائل مهم علوم. بنیادی بودن این مسائل نشان می‌دهد که جزء مسائل خود آن علوم نیستند، اگرچه آن علوم به پاسخ این مسائل نیاز دارند.

گزینه «۳»: روش فلسفه استدلال عقلی و قیاسی است و با روش قابل استفاده در فیزیک که روش تجربی است متفاوت است.

(فلسفهٔ یازدهم، ریشه و شافه‌های فلسفه، صفحه ۱۴)

۱۴۴- گزینه «۲»

(همید سوریان)

اثر انسان‌شناسی (شاخهٔ فلسفه) بر علوم تربیتی را نشان می‌دهد. زیرا مساوی بودن انسان با بدن مربوط به انسان‌شناسی و نحوهٔ کنترل رفتار انسان مربوط به علوم تربیتی است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: اثر احکام دینی بر حقوق و علوم سیاسی و قضائی را نشان می‌دهد و ربطی به فلسفه ندارد.

گزینه «۳»: این گزینه بیانگر اثر معرفت‌شناسی (ریشهٔ فلسفه) بر شاخه‌های فلسفه (فلسفهٔ علوم اجتماعی) است. زیرا این گزاره که «هر چیزی با حس قابل مشاهده نباشد، قابل پذیرش نیست.» که یک حکم معرفت‌شناختی عام است، منجر به پذیرش این گزاره که: «جامعهٔ مساوی با افراد آن است و چیزی بیش از این نیست.» شده است.



گزینه «۴»: چون درستی یا نادرستی فلسفهٔ انسان باعث درستی یا نادرستی معنای زندگی می‌شود پس با پی بردن به درستی یا نادرستی معنای زندگی افراد می‌توان به بررسی و سنجش فلسفهٔ آنان پرداخت.

(فلسفهٔ یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۱ و ۲۲)

۱۴۷- گزینه «۲» (موسی سپاهی - سروان)

اندیشمندان جوامعی که مردم آن افکار بدون پشتوانه منطقی دارند این قبیل افکار را مورد نقد قرار می‌دهند و اگر منطبق با عقل نبود آن‌ها را نمی‌پذیرند و تلاش می‌کنند سایر مردم را به باطل بودن آن افکار آگاه کنند.

(فلسفهٔ یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۴)

۱۴۸- گزینه «۴» (ممد آقا صالح)

فیلسوفان می‌کوشند با کاستن از مغالطه‌ها، فهم درستی از حقایق، چه در عالم هستی و چه در مسائل بنیادین زندگی ارائه دهند (مغالطات معنایی) و آن را با گفتار مناسبی که خالی از مغالطه (لفظی) باشد، بیان کنند.

رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: فیلسوف افکاری را مورد نقد و ارزیابی قرار می‌دهد که به صورت عادت درآمده است (نقد همهٔ افکار مربوط به علوم مختلف است نه فلسفه)

گزینه «۲»: فیلسوف هیچ سخنی را بدون دلیل نمی‌پذیرد.

گزینه «۳»: سایر مردم نیز در مسائل بنیادین می‌اندیشند.

(فلسفهٔ یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۲ و ۲۳)

۱۴۹- گزینه «۴» (پرگل رهیمی)

متفکر و فیلسوف واقعی، هنگام رویارویی با عقاید جدید و مخالف با عقیدهٔ خود، آن‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و چنانچه منطبق با عقل و استدلال نبود آن‌ها را نمی‌پذیرد و تلاش می‌کند سایر مردم را نیز به باطل بودن آن افکار آگاه کند.

بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: این ویژگی مربوط به فایدهٔ استقلال در اندیشه است.

گزینه «۲»: این مورد مربوط به فایدهٔ راهی از عادات غیرمنطقی است.

گزینه «۳»: این عبارت فایدهٔ دوری از مغالطه‌ها را نشان می‌دهد.

(فلسفهٔ یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۴)

۱۵۰- گزینه «۲» (پرگل رهیمی)

شخصی که به تدریج در معرض نور حقیقی خورشید قرار می‌گیرد، یکی پس از دیگری آن انسان‌ها و حیوانات و اشیای واقعی را خواهد شناخت و به سایه بودن آن تصاویری که تا چندی پیش، آن‌ها (سایه‌ها) را حقیقت می‌پنداشت، پی خواهد برد. پس حقیقت از دید غارنشینان همان سایه‌هاست.

توجه: این شخص پس از مدتی خواهد توانست آن نوری را که عامل شناخت اشیاء است ببیند و بداند که تا اندازه‌ای خورشید عامل هر چیزی است که او و دوستانش در زندان به دیدن آن‌ها عادت کرده بودند. پس عادت عامل حقیقی پنداشتن سایه‌هاست.

(فلسفهٔ یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۴ تا ۲۶)

گزینه «۴»: اثر ریشهٔ فلسفه (هستی‌شناسی) بر علوم (علوم تربیتی) را نشان می‌دهد، نه اثر شاخهٔ فلسفه بر علوم را. زیرا تشکیل جهان از ماده و غیرماده به ریشهٔ فلسفه مربوط است.

(فلسفهٔ یازدهم، ریشه و شافه‌های فلسفه، صفحه‌های ۱۵ تا ۱۷)

۱۴۵- گزینه «۳»

(علیرضا نصیری)

نسبت فلسفه‌های مضاف و علوم مختلف و مسیری که در نسبت آن دو باید طی شود چنین است که ما با مبانی فلسفی خود که در بخش اصلی فلسفه به دست آورده‌ایم روی به فلسفه‌های مضاف می‌آوریم و دست‌آوردهای آن را مبانی بررسی‌های خود در سایر علوم قرار می‌دهیم. در عبارت صورت سؤال فرد مسیر را برعکس طی کرده‌است؛ یعنی به جای این که از مبانی پذیرفته‌شده در فلسفه‌های مضاف نتایج سیاسی بگیرد، از سیاست نتایج فلسفی گرفته. گزینه «۳» نیز چنین است؛ فرد به جای آن که ابتدائاً به بررسی فلسفی نفس انسان بپردازد و سپس روان‌شناسی را از آن حیث که با دست‌آوردهای فلسفی مطابق است دنبال کند، برعکس عمل کرده و دست‌آوردهای روان‌شناسانه را مبانی استنتاج فلسفی قرار داده‌است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: در این جا مسیر فرد درست است و برعکس صورت سؤال طی شده‌است؛ فرد ابتدا این حکم فلسفی که «حرکت هست» را در نظر گرفته و سپس بیان داشته که فیزیک باید بدان بپردازد.

گزینه «۲»: اینجا اصلاً ارتباطی میان فلسفه و علوم دیگر وجود ندارد چون هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی هر دو بخش اصلی فلسفه به حساب می‌آیند.

گزینه «۴»: اینجا نیز اساساً گزاره‌ای فلسفی مطرح نشده و این مسئله که مالیات سنگین نشان‌دهندهٔ سوسیالیستی بودن نظام اقتصادی است به سیاست و اقتصاد سیاسی مربوط می‌شود و ربطی به فلسفه ندارد.

(فلسفهٔ یازدهم، ریشه و شافه‌های فلسفه، صفحه‌های ۱۵ تا ۱۷)

۱۴۶- گزینه «۱»

(علیرضا نصیری)

کتاب درسی در معرفی دستهٔ اول از تقسیم‌بندی مردم بر اساس هدف‌شان چنین بیان کرده: «برخی آدم‌ها کمتر به اموری مانند حقیقت انسان و جهان می‌اندیشند و به همان اندازه‌ای که از دور و برشان آموخته‌اند، قناعت می‌کنند؛ در نتیجه در انتخاب هدف نیز دقت نظر چندانی ندارند و بیشتر دنبال‌ه‌روی دیگران هستند.» بنابر این گفتهٔ کتاب درسی این افراد خلاقیتی در انتخاب هدف ندارند نه این که کلاً هیچ خلاقیتی نداشته باشند، بلکه ممکن است فردی در امور جزئی زندگی خویش فرد خلاق باشد اما به سبب ضعف در فلسفه در انتخاب هدف خلاقیت کمی از خود نشان دهد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۲»: کسانی که نگرشی نادرست دربارهٔ جهان و حقیقت انسان کسب کنند و زندگی خویش را بر آن مبنا بنا می‌کنند زندگی‌شان معنایی تهی و نادرست به خود خواهد گرفت و در نتیجه زندگی‌شان تباه خواهد شد.

گزینه «۳»: کسی که در انتخاب هدف پیرو دیگران است نظام فلسفی قوام یافته‌ای ندارد چون که باورهای افراد که سازندهٔ فلسفهٔ او هستند، نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب هدف دارند و بنابراین کسی که در انتخاب هدف مقلد است باورهای فلسفی منسجمی ندارد.

اقتصاد

۱۵۱- گزینه «۴»

(آفرین ساپری)

- تدریس خصوصی یک فرد: کسب و کار شخصی
- گسترش یک مجموعه از طریق استفاده از سرمایه دیگران: شرکت سهامی
- تدریس به دانش‌آموزان به صورت رایگان: مؤسسه غیرانتفاعی یا خیریه
- گردهم آمدن تعدادی تولیدکننده جهت بهره‌مندی از مزایای فعالیت‌های اقتصادی با مقیاس بزرگ و بیشینه کردن منفعت خود با اقدامات جمعی: تعاونی

(اقتصاد، انتقاب نوع کسب و کار، صفحه‌های ۱۴ تا ۱۹)

۱۵۲- گزینه «۲»

(زهرا ممبری)

تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: بسیاری از کسب‌وکارهای نوپا عمر کوتاهی دارند؛ به طوری که تنها نیمی از آنها می‌توانند از شش سالگی عبور کنند و به کارشان ادامه بدهند.
گزینه «۳»: یک کارآفرین موفق ضرورتاً از ابتدا کارآفرین نبوده است، اما حرکت با چشم باز و بر مبنای شناخت ظرفیت‌های خود و اتفاقات اطراف، او را قدم به قدم از سطوح ابتدایی کار به درجه‌های بالای آن می‌رساند.
گزینه «۴»: کارآفرین باید تیزبین، نوآور، ریسک‌پذیر، خوش‌بین، پرنگیزه، یادگیرنده و سازمان‌دهنده بوده و باید توانایی مالی لازم را برای راه‌اندازی کسب‌وکارش داشته باشد.

(اقتصاد، کسب و کار و کارآفرینی، صفحه‌های ۴ تا ۶)

۱۵۳- گزینه «۲»

(کنکور تیرماه ۱۴۰۲)

برای به دست آوردن یک واحد (y) بیشتر، باید دو واحد (x) از دست داد.
به عنوان مثال در نقطه D، ۲ واحد کالای (x) و ۳ واحد کالای (y) می‌توان خریداری کرد. در نقطه C، ۴ واحد کالای (x) و ۲ واحد کالای (y) می‌توان خریداری کرد. در نتیجه برای حرکت از نقطه C به D جهت به دست آوردن یک واحد (y) بیشتر باید از دو واحد (x) صرف نظر کرد.

(اقتصاد، اصول انتقاب درست، صفحه ۲۸)

۱۵۴- گزینه «۴»

(مهروی ضیائی)

ابتدا باید سود حاصل از هر یک از سرمایه‌گذاری‌ها را به دست آوریم تا بتوانیم آنها را با یکدیگر مقایسه کنیم: (دقت کنید برای آنکه امکان مقایسه وجود داشته باشد سود حاصل از تمامی سرمایه‌گذاری‌ها را به صورت سالانه در نظر می‌گیریم.)

سود سالانه حاصل از سرمایه‌گذاری در صندوق‌های درآمد ثابت:

$$۷۵۰ \times \frac{۲۵}{۱۰۰} = ۱۸۷/۵ \text{ میلیون تومان}$$

سود سالانه حاصل از راه‌اندازی آموزشگاه موسیقی:

$$۲۲ \times ۱۲ = ۲۶۴ \text{ میلیون تومان}$$

سود سالانه حاصل از خرید و فروش خودروهای ثبت‌نامی:

$$۷۵۰ \times \frac{۳۰}{۱۰۰} = ۲۲۵ \text{ میلیون تومان}$$

سود سالانه حاصل از راه‌اندازی فست فود: (هر سال برابر با ۱۲ ماه است، در صورت سؤال سود حاصل در ۴ ماه داده شده است و می‌دانیم که هر سال برابر با ۳ تا چهار ماه است.)

$$۷۶ \times ۳ = ۲۲۸ \text{ میلیون تومان}$$

در نتیجه راه‌اندازی آموزشگاه موسیقی بهترین و سودآورترین انتخاب است. منافع بهترین انتخاب بعدی که راه‌اندازی فست فود (با سود سالانه ۲۲۸ میلیون تومان) است ولی فرد از آن صرف‌نظر کرده است، هزینه فرصت انتخاب فرد محسوب می‌شود.

(اقتصاد، اصول انتقاب درست، صفحه‌های ۲۵ تا ۲۷)

۱۵۵- گزینه «۲»

(سارا شریفی)

بررسی عبارات صورت سؤال:

الف) نادرست است. یکی از معایب کسب و کار شخصی، مسئولیت نامحدود در مقابل بدهی‌ها و دعاوی است.

ب) صحیح است.

پ) نادرست است. بیشتر کسب و کارهای شخصی کوچک مقیاس‌اند و در همه نوع فعالیتی از کشاورزی تا صنعت به‌ویژه خدمات حضور دارند.

ت) نادرست است؛ اگر دارایی شرکتی به ۱۰۰,۰۰۰ سهم تقسیم شده باشد، سرمایه‌گذاری که ۱۰,۰۰۰ سهم آن را خریداری می‌کند، مالک ۱۰ درصد

$$(۱۰ = \frac{۱۰,۰۰۰}{۱۰۰,۰۰۰} \times ۱۰۰) \text{ شرکت است.}$$

ث) نادرست است. تقسیم سود به تناسب مالکیت سهام از معایب ایجاد یک شرکت سهامی است.

ج) نادرست است. توزیع سود احتمالی در پایان دوره به نسبت سرمایه هر عضو است.

چ) صحیح است.

ح) نادرست است. یک مؤسسه غیرانتفاعی، نهادی قانونی است که برای انجام مأموریتی غیرسودآور، یعنی با هدفی غیرتجاری شکل گرفته است.

خ) نادرست است. این مأموریت‌ها اغلب زمینه‌هایی انسانی و اجتماعی دارند. (اقتصاد، انتقاب نوع کسب‌وکار، صفحه‌های ۱۴ تا ۲۰)

۱۵۶- گزینه «۲»

(مهروی ضیائی)

الف) همیشه مقایسه هزینه‌ها و منافع بر اساس اطلاعاتی که از آنها داریم، انجام می‌گیرد.

ب) بررسی قسمت «ب» در گزینه‌ها:

گزینه «۱»: نادرست است؛ تنها هزینه‌ای که بر تصمیم‌گیریتان مؤثر است، هزینه‌هایی است که در زمان تصمیم‌گیری شما به وجود می‌آیند. برای اینکه یک تصمیم خوب بگیرید، تشخیص تفاوت هزینه‌هایی که بر تصمیم شما تأثیر گذارند، بسیار مهم است؛ هزینه‌های هدررفته مهم نیستند، چون دیگر رفته‌اند و قابل برگشت نیستند.

گزینه «۲»: درست است.

گزینه «۳»: نادرست است؛ زیرا کود شیمیایی و آب، منابع طبیعی ما برای تولید هستند نه سرمایه فیزیکی! (منظور از سرمایه فیزیکی، کالایی است که در فرایند تولید خدماتش مورد استفاده قرار می‌گیرد، مانند تراکتور در جریان کشاورزی.)

گزینه «۴»: درست است.

(اقتصاد، اصول انتقاب درست، صفحه‌های ۲۴، ۲۶، ۲۸ و ۲۹)



۱۵۷- گزینه «۴»

(سارا شریفی)

عبارت «از کارشناسان، همکاران و مشتریان می‌آموزند و خود را با شرایط بازار وفق می‌دهند.» به ویژگی یادگیرنده بودن کارآفرینان موفق اشاره دارد.

تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: عبارت «پس‌انداز و خوش‌نامی‌شان را با شجاعت و تدبیر، به میدان می‌آورند تا فعالیت اقتصادی جدیدی را راه‌اندازی کنند.» به ویژگی ریسک‌پذیر بودن کارآفرینان موفق اشاره دارد.

گزینه «۲»: عبارت «ایده‌ها را به محصولات جدید، فرایندها و یا کسب و کارهای جدید تبدیل می‌کنند.» به ویژگی نوآور بودن کارآفرینان موفق اشاره دارد.

گزینه «۳»: عبارت «منابع را به شکل کارایی مدیریت و هماهنگ می‌کنند.» به ویژگی سازمان‌دهنده بودن کارآفرینان موفق اشاره دارد.

(اقتصاد، کسب و کار و کارآفرینی، صفحه ۶)

۱۵۸- گزینه «۳»

(آفرین ساهری)

$12 \times (\text{هزینه ماشین‌آلات در دو سال}) = \frac{1}{2} \times \text{هزینه سالانه آب، برق و گاز}$

$$= \frac{1}{2} \times 100 \times 2 \times 12 = 120 \text{ میلیون تومان}$$

$12 \times 5 \times (\text{هزینه سالانه سرمایه فیزیکی}) = \left(\frac{1}{100}\right) \times \text{دستمزد سالانه مجموع کارگران}$

$$= \frac{1}{100} \times 100 \times 5 \times 12 = 600 \text{ میلیون تومان}$$

میلیون تومان $100 = \text{هزینه سالانه ماشین‌آلات (سرمایه فیزیکی)}$

$\left(\frac{15}{100}\right) \times \text{مجموع دستمزد کارگران در یک سال} = \text{هزینه سالانه خرید مواد اولیه}$

$$= \frac{15}{100} \times 600 = 90 \text{ میلیون تومان}$$

میلیون تومان $72 = 6 \times 12 = \text{هزینه فرصت (هزینه پنهان) سالانه}$

مجموع هزینه‌های سالیانه کارخانه با احتساب هزینه فرصت

$$= 120 + 600 + 100 + 90 + 72 = 982 \text{ میلیون تومان}$$

$(70,000 \times 20,000) + (40,000 \times 15,000) = \text{درآمد سالیانه کارخانه}$

$$= 1,400,000,000 + 600,000,000 = 2,000,000,000 \text{ تومان}$$

میلیون تومان $2,000$

چون میزان درآمد از هزینه‌ها بیش‌تر است، تولیدکننده از فعالیت خود سود برده است.

مجموع هزینه‌های تولید (هزینه‌های مستقیم و هزینه فرصت) - درآمد = سود واقعی

$$= 2,000 - 982 = 1,018 \text{ میلیون تومان}$$

$$= 1,018,000,000 \text{ تومان}$$

(اقتصاد، ترکیبی، صفحه‌های ۸، ۹، ۲۵، ۲۶ و ۳۳)

۱۵۹- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمان‌های)

هزینه‌ها - منافع = منفعت خالص

A میلیون تومان $-90 = 120 - 210 = \text{منفعت خالص خودروی}$

B میلیون تومان $25 = 80 - 55 = \text{منفعت خالص خودروی}$

C میلیون تومان $15 = 60 - 45 = \text{منفعت خالص خودروی}$

D میلیون تومان $10 = 40 - 30 = \text{منفعت خالص خودروی}$

با محاسبه منفعت خالص، مشاهده می‌شود که منفعت خالص خودروی B بیشتر از سایر خودروها است و لذا این خودرو ارزش خرید بالاتری دارد.

(اقتصاد، اصول انتخاب درست، صفحه ۳۰)

۱۶۰- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)

C و B و A $\%60 = \%20 \times \%3 = \text{و}$

$\%60$ سهام شرکت متعلق به سه نفر اول است.

E و D $\%20 = \%10 \times \%2 = \text{و}$

$\%20$ سهام شرکت متعلق به افراد D و E است.

$$\%60 + \%20 = \%80$$

$$\%100 - \%80 = \%20$$

$\%20$ سهام شرکت متعلق به چهار نفر آخر است.

$$\%20 + \%4 = \%24$$

$\%5$ سهام شرکت متعلق به هریک از چهار نفر آخر است.

الف) اگر نفر نهم (I) مبلغ ۱۰ میلیون تومان سرمایه‌گذاری کرده باشد و

اگر $\%5$ سهام شرکت متعلق به وی باشد، خواهیم داشت:

$$\frac{5}{100} = \frac{10}{x} \Rightarrow \text{میلیون تومان } x = 200 \text{ (کل سرمایه شرکت)}$$

ب) $\%20$ سهام شرکت متعلق به نفر اول (A) است، اگر کل سرمایه

شرکت ۲۰۰ میلیون تومان باشد، آنگاه داریم:

$$\frac{20}{100} = \frac{y}{200} \Rightarrow \text{میلیون تومان } y = 40 \text{ (ارزش سهام متعلق به نفر اول)}$$

پ) $\%20$ سهام شرکت متعلق به چهار نفر آخر است و آن‌ها به همین میزان

در سود شرکت سهیم هستند، در نتیجه خواهیم داشت:

$$\frac{20}{100} = \frac{z}{650} \Rightarrow \text{میلیون تومان } z = 130 \text{ (سهام چهار نفر آخر از سود شرکت)}$$

ت)

$$\text{ارزش کل سهام شرکت} = \frac{\text{تعداد سهام شرکت}}{\text{قیمت هر سهم}}$$

$$\text{تعداد سهام شرکت} = \frac{200,000,000}{50,000} = 40,000$$

(اقتصاد، انتخاب نوع کسب و کار، صفحه ۱۶)